

# تحلیل چندبُعدی فرهنگ کربلا

محمد حسین خوشنویس \*

## چکیده

از منظر تاریخی واقعه عاشورای سال ۶۱ هجری نقطه عطفی در شکل‌گیری هویت این شهر بوده است. بررسی منابع تاریخی نشان می‌دهد که کربلا چگونه از یک منطقه بیابانی به مهم‌ترین کانون شیعی جهان تبدیل شده است. در بُعد معماری، حرم امام حسین (علیه السلام) با فراز و نشیب‌های بسیاری روبرو بوده که از تخریب‌های دوره عباسی تا بازسازی‌های باشکوه دوره صفوی و قاجار را شامل می‌شود. از دیدگاه فرهنگی و ادبی، کربلا منشأ آثار فاخری در حوزه شعر، ادب و هنرهای تجسمی بوده است. مستشرقان نیز با نگاهی علمی به تحلیل ابعاد مختلف این واقعه پرداخته‌اند.

نویسنده در این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و با استناد به منابع دست اول تاریخی، جغرافیایی و ادبی، به بررسی جامع ابعاد مختلف فرهنگ کربلا می‌پردازد.

نویسنده در این تحقیق به این نتیجه رسیده است که کربلا به عنوان پدیده‌ای چندبُعدی توانسته است در طول تاریخ اسلام نقش‌های متنوعی ایفا کند؛ از کانون مذهبی تا مرکز مقاومت، و از منبع الهام ادبی تا نماد وحدت اسلامی. حفظ این میراث گرانبها نیازمند توجه جدی به ابعاد مختلف تاریخی، فرهنگی و معماری آن است.

**کلیدواژه‌ها:** کربلا، فرهنگ شیعه، تاریخ عاشورا، معماری اسلامی، ادبیات عاشورایی.

۱. محقق و نویسنده.

شهر کربلا به عنوان یکی از مکان‌های مقدس مذهبی جهان اسلام، همواره جایگاهی ویژه در قلب مؤمنان و پژوهشگران داشته است. این شهر، که روزگاری صحنه یکی از تأثیرگذارترین رویدادهای تاریخ بشریت بود، امروزه به نمادی فراملی و فرامذهبی از مقاومت، آزادی و پایداری در برابر ظلم تبدیل شده است. واقعه عاشورای سال ۶۱ هجری قمری و شهادت امام حسین (علیه السلام) و یاران وفادارش در دشت کربلا، نه تنها یک رویداد تاریخی، بلکه منشأ تحولات عمیق فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در جهان اسلام شد.

نویسنده در این پژوهش با نگاهی تحلیلی به بررسی ابعاد گوناگون فرهنگ کربلامی پرداخته. از سویی تحولات تاریخی این شهر را از دوران پیش از اسلام تا عصر حاضر واکاوی، و از دیگر سو تأثیرات عمیق این واقعه بر هنر، ادبیات و معماری اسلامی را کنکاش می‌کند.

بررسی جایگاه کربلا در متون کهن تاریخی و جغرافیایی اسلامی و همچنین تحلیل نگاه محققان غربی به این شهر مقدس، از دیگر ابعاد این تحقیق است. اهمیت این مطالعه از آنجا ناشی می‌شود که کربلا به عنوان پدیده‌ای چندوجهی، همواره کانون توجه مورخان، ادیبان، معماران و جامعه‌شناسان بوده است. شناخت دقیق این ابعاد می‌تواند تصویری جامع از تأثیرات عمیق و ماندگار واقعه عاشورا بر تمدن اسلامی ارائه دهد. همچنین نویسنده در این تحقیق می‌کوشد تا نقش کربلا را در شکل‌دهی به هویت فرهنگی جهان اسلام و تقویت گفتمان مقاومت و عدالت‌خواهی تبیین کند.

پژوهش‌های پیشین درباره کربلا عمدتاً بر جنبه‌های مذهبی و تاریخی متمرکز بوده‌اند و کمتر به تحلیل جامع فرهنگ کربلا در بسترهای مختلف توجه کرده‌اند، اما این مقاله با تکیه بر منابع دست اول تاریخی و ادبی شکاف موجود را پُر می‌کند.

نویسنده در این مقاله پس از مروری بر پیشینه تحقیقات انجام‌شده، روش‌شناسی پژوهش را تشریح می‌کند. سپس یافته‌های تحقیق در قالب تحلیلی جامع از جغرافیا و سیر

تحولات تاریخی شهر کربلا، ویژگی‌های معماری و شهرسازی حرم‌های مقدس، بازتاب این واقعه در ادبیات و فرهنگ اسلامی و نگاه پژوهشگران غربی به این پدیده را ارائه می‌دهد. این پژوهش بر آن است تا با نگاهی علمی و مستند، گامی در جهت شناخت بیشتر این شهر مقدس و تبیین پیام جاودانه عاشورا بردارد.

## جغرافیای تاریخی شهر کربلا

### ۱. موقعیت مکانی

کربلا در صد کیلومتری جنوب غرب بغداد و نزدیک فرات قرار دارد. در مرکز شهر کربلا، که محل تجمع ساکنان شهر و کانون زندگی آنهاست، بازارها و ساختمان‌های امور دینی، حرمین شریفین را احاطه کرده و این بازارها تا جلوی درهای ورودی حرم‌ها امتداد یافته است؛ به گونه‌ای که زائر نمی‌تواند به حرم‌ها برسد، مگر اینکه از وسط این بازارها عبور کند. از مهم‌ترین و معروف‌ترین این بازارها می‌توان به سوق الحسین، سوق العرب، سوق المُخیم و سوق العباس اشاره کرد. علاوه بر اینکه در داخل بازارها و در فواصل معین، جایی برای استراحت وجود دارد.

شهرداری کربلا از سال ۱۳۵۴ تا ۱۳۶۷ قمری به بهانه ایجاد نظم در عبور و مرور زائران، در چندین مرحله خیابان اطراف حرم امام حسین (علیه السلام) را توسعه داد و به سبب تخلفات فنی و عملیاتی مسئولان وقت، زیباترین آثار معماری اسلامی و باستانی و بخشی از صحن حرم حسینی، از دست رفت. یکی از این آثار مهم و معروف، مناره «عبد» است که به عنوان یکی از زیباترین سازه‌های معماری شهر کربلا به حساب می‌آمد، درحالی‌که می‌توانستند با مطالعه و برنامه‌ریزی دقیق و علمی، طرح توسعه را عالمانه انجام دهند و از تخریب بناهای مذهبی و میراث تاریخی شهر جلوگیری کنند. (آل طعمه، ۱۴۳۵ق، ص ۳۴) ژاک برک، مستشرق فرانسوی، می‌نویسد:

کربلا شهری با جمعیت ۲۱۷ هزار نفری است که هشتاد درصد در هسته مرکزی

شهر، ویست درصد در حومه کربلا هستند. شهرهای معروفی مانند نجف و کوفه در نزدیکی کربلا واقع شده‌اند. کربلا دارای زمین‌های کشاورزی و حاصل‌خیزی است و بلافاصله پس از منطقه بیابانی در کنار رود فرات در سمت چپ امتداد می‌یابد. این شهر از نظر ساخت‌وساز شبیه به بقیه شهرهای عراق است که در آن خانه‌های برجسته و بالکن‌های شیشه‌ای توسط ستون‌های چوبی ساده نگه داشته شده‌اند. در کنار این خانه‌های سنتی، خانه‌های مسکونی ساخته شده با مصالح جدید، مثل سیمان، نیز وجود دارد. اینها محله‌هایی است که کارمندان دولت و درجه‌داران نظامی در آن زندگی می‌کنند. در سال ۱۹۵۴ میلادی عملیات ساخت شهرک‌اسکان توسط دولت آغاز شد که به کارمندان دولت اختصاص می‌یافت. این شهرک در جهت جنوب غربی کربلا و در فاصله سه کیلومتری قرار دارد. (برک، ۱۳۹۸ق، ص ۶۵)

## ۲. تحولات شهری کربلا

کربلا در مسیر این تحولات از یک منطقه بیابانی در صدر اسلام به یک شهر مهم مذهبی تبدیل شد. در سال ۱۹۷۸ میلادی نقشه‌کشی برای اجرای پروژه خیابان بین الحرمین و مخصوص به عابران پیاده به عرض چهل متر آغاز شد. این خیابان، حرم حسینی و عباسی را به یکدیگر متصل می‌کرد و ساخت آن در سال ۱۹۸۰ میلادی به پایان رسید. این پروژه باعث تخریب معماری زیبای مرکز شهر کربلا شد و با بی‌توجهی به اصالت فرهنگی محیط اسلامی، که مشخصه این شهر و همچنین بافت شهری آن بود، همراه شد که منجر به تخریب بسیاری از بناهای برجسته معماری اسلامی شد؛ مانند بازار معروف الحسین، مسجد صافی، مدرسه علمیه بادکوبه، مدرسه حسن خان، خانه‌هایی با آثار باستانی زیبا. همچنین بدون مطالعه و برنامه‌ریزی قبلی و بدون درک ویژگی‌های مدنی - اسلامی شهر کربلا، ساختمان‌های نامنظمی در دو طرف خیابان بین الحرمین ساخته شد. (آل طعمه، ۱۳۸۸ش، ص ۶۷)

### ۳. حملات تاریخی به کربلا

#### الف) تخریب حرم امام حسین (علیه السلام) در دوره عباسیان

بارگاه امام حسین (علیه السلام) که به دست مختار بن ابوعبید ثقفی بنا شد، بارها و در سال‌های متعددی با حملات افراد و گروه‌های مختلف تخریب شد. خلفای عباسی - از جمله منصور، هارون و متوکل - هر یک در دوره‌های مختلف به تخریب بارگاه اقدام کرده‌اند. منصور دوانقی دومین (خلیفه عباسی) پس از تسلط بر اوضاع و کشتن سادات، بقعه امام حسین (علیه السلام) را تخریب کرد. پس از آن دوست‌داران اهل بیت (علیهم السلام) در دوران خلافت مهدی و هادی عباسی به بازسازی حرم حسینی اقدام کردند. (مدرس، ۱۳۸۰ش، ص ۱۹۶)

بنا بر برخی از گزارش‌های تاریخی، هارون در دوران حکومتش گاهی خادمان حرم امام حسین (علیه السلام) را فرا می‌خواند و از آنان بازجویی می‌کرد. (طبری، ۱۴۰۸ق، ج ۵، ص ۲۱) نقل شده است که به دستور هارون درخت سدري که بر مرقد مطهر امام حسین (علیه السلام) سایه افکنده بود، از ریشه کنده، و قبر تخریب، و زمین شخم زده شد.

با روی کار آمدن مأمون، سیاست بنی عباس تا حدود زیادی تغییر کرد. وی در دوره حاکمیتش به دلیل ابراز علاقه ظاهری به علویان، بر مرقد امام بنایی احداث کرد. ساختمان احداث شده در زمان مأمون، در دوران خلافت معتصم و واثق عباسی از گزند حوادث محفوظ ماند. (مدرس، ۱۳۸۰ش، ص ۲۰۳)

در زمان خلافت متوکل نیز به مرقد امام حسین (علیه السلام) تجاوز شد؛ زیرا متوکل کنیز آوازه خوانی را، که همیشه برای مجالس عیش و نوش دعوت می‌کرد، به حضور طلبید، اما او به زیارت قبر امام حسین (علیه السلام) رفته بود و این امر باعث ناراحتی متوکل شد و دستور تخریب بقعه امام حسین (علیه السلام) را صادر کرد. (اصفهانی، بی تا، ص ۴۷۸)

اما شیخ طوسی علت تخریب را ترس متوکل از اجتماع طرفداران اهل بیت (علیهم السلام) می‌داند. (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۲۸) وی شخصی به نام دیزج یهودی را برای این کار اعزام کرد. در تخریب بقعه، مسلمانان همراه وی احتیاط کردند بدین جهت دیزج، یهودیان منطقه را به

خدمت گرفت و مرقد را تخریب کرد. (اصفهانی، بی تا، ص ۴۷۹) پس از تخریب قبر، زمین آن را شخم زدند و آب روی آن بستند، ولی آب در اطراف مرقد به گردش درآمد (و به تعبیری متحیر ماند) و روی قبر را فرانگرفت. (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۳۸) حتی متوکل گروهی از مأموران خود را گرداگرد مرقد و راه‌های منتهی به آن گماشت و زائران را از زیارت قبر باز داشت و آنان را تحت پیگرد قرار داد. (طبری، ۱۴۰۸ق، ج ۵، ص ۳۲۱) بنا بر یک قول، متوکل دو بار نسبت به تخریب بقعه اقدام کرد: یک بار در سال ۲۳۳ قمری و یک بار در سال ۲۳۶ قمری و در این فاصله بقعه تعمیر شده بود که ویرانی دوم مهم‌تر بوده است. (مدرس، ۱۳۸۰ش، ص ۲۰۶)

### ب) انتفاضه شعبانیه

در شعبان ۱۴۱۱ قمری قیام مردمی علیه صدام و رژیم بعثی در کشور عراق شکل گرفت و بیشتر استان‌ها از سلطه حکومت خارج شد و به دست مردم افتاد. رژیم بعث برای نابودی این شورش‌ها با استفاده از نیروی هوایی و سلاح‌های سنگین شهرها را نابود کرد؛ از جمله این شهرها کربلا بود که نیروهای بعثی به فرماندهی حسین کامل (داماد صدام) به آنجا یورش بردند. (تبرائیان، ۱۳۹۱ش، ص ۲۳۰ و ۲۸۹) نیروهای صدام، سدّ مقاومت مردم را شکستند و مردم را دسته‌دسته اسیر و اعدام کردند. بعثی‌ها به حرم امام حسین (علیه السلام) و حضرت عباس (علیه السلام) آسیب‌های جدی رساندند. آنها داخل حرم حسینی و حضرت ابوالفضل (علیه السلام) شدند و از روی اجساد شهدا عبور کردند و جواهرات و اشیای گرانمای آن دو حرم را به تاراج بردند. (حلی، بی تا، ص ۱۷۰) به مدت شش ماه در حرم‌ها بسته شد و اجازه زیارت داده نمی‌شد. (آل طعمه، ۱۴۳۳ق، ص ۴۷)

### معماری و شهرسازی کربلا

#### ۱. حرم امام حسین (علیه السلام):

بنا بر گزارش‌های تاریخی، اولین بنای حرم حسینی با آجر و گچ در اواخر سال ۶۵ قمری به اتمام رسید. به گفته عبدالجواد کلیددار، بنای نخستین شامل یک سایه‌بان و یک مسجد بود که دو در داشت: یکی از آنها در شرق بود. بنای مذکور تا پایان دوره بنی‌امیه

همچنان پابرجا بود. از تشویق امام صادق علیه السلام به زیارت امام حسین علیه السلام و چگونگی زیارت آن حضرت استفاده می‌شود که قبر امام در آن زمان دارای بنا و ساختمان بود. در روایت امام صادق علیه السلام آمده است:

هرگاه قصد زیارت قبر امام حسین علیه السلام داشتی، بیرون حرم بایست و به طرف قبر بنگر، آن‌گاه وارد روضه منوره بشو و مقابل سر حضرت علیه السلام بایست و هنگام بیرون رفتن از دری که پایین پای علی بن حسین قرار دارد، بیرون برو. سپس به مرقد شهیدان رو کن، آن‌گاه به مرقد حضرت عباس علیه السلام برو، در باب السقیفه توقف کن و به او سلام بده.

تعبیری همانند «بیرون روضه بایست»، «آن‌گاه وارد روضه شو» و «از در پایین پای علی اکبر بیرون برو» گویای وجود بنایی بر قبر امام حسین علیه السلام در آن اوایل بوده است. (کلیددار، ۱۳۳۸ش، ص ۶۵)

## ۲. بازسازی حرم در دوران آل بویه

در دوران آل بویه، به ویژه عصر حکومت عضدالدوله دیلمی، توجه و اهتمام زیادی به مرقد امامان در عتبات عالیات شد. عضدالدوله در ۳۷۱ قمری حرم بزرگ و باشکوهی برای سالار شهیدان ساخت و قسمت‌های زیادی از بنا را تجدید کرد. او برای نخستین بار در هر چهار سمت حرم، رواق‌ها و شبستان‌هایی ساخت و قبه و رواق‌ها را به زیبایی با هزینه‌های فراوان تزیین کرد. او ضریحی را، که از چوب ساج ساخته و با عاج تزیین شده بود، روی قبر آن امام نصب کرد و با پارچه‌های گران‌قیمت دیباج قبر را پوشاند.

در زمان سلطان الدوله دیلمی هنگامی که حرم مطهر در آتش سوخت، وزیر شیعی این پادشاه، ابومحمد حسن بن فضل معروف به ابن سهلان رامهرمزی، به تعمیر آن اقدام کرد.<sup>۱</sup>

---

۱. این آتش‌سوزی به دلیل افتادن دو شمع از شمع‌های حرم بر روی فرش‌ها بود. آتش به سرعت به پرده‌ها، رواق‌ها و گنبد سرایت کرد و تنها دیوارهای حرم و بخشی از حرم و مسجد عمران بن شاهین از تخریب در امان ماند.

او در ۴۰۷ تا ۴۱۲ قمری به بازسازی و نوسازی حرم مطهر، رواق‌ها و گنبد آن پرداخت. ابن بطوطه این بنا را در ۷۲۷ قمری به چشم خود دیده و در سفرنامه‌اش توصیف کرده است. او همچنین دیوار و قلعه محکمی برای شهر ساخت تا امنیت مردم را از هجوم دشمن تأمین کند. این دیوار دروازه‌های آهنی سنگینی داشت. (آل طعمه، ۱۳۸۸ش، ص ۱۰۲)

### ۳. عصر سلجوقیان و بازسازی حرم حسینی

در عصر سلاجقه مجدالملک براوستانی (وزیر شیعی سلطان ملک شاه سلجوقی) در سال ۴۷۹ قمری دیوار اطراف حرم حسینی را بازسازی کرد. در این دوران یکی از شورش‌ها به نام خفاجه در سال ۴۸۹ قمری کربلا را دست‌خوش تاخت و تاز قرار داد، حرم حسینی را غارت کرد و زائران را به قتل رساند. سیف‌الدوله (فرمانروای حلب و مؤسس سلسله حمدانیان)، که نقش مؤثری در جهاد با مسیحیان در آزادسازی بیت المقدس ایفا کرد، شخصاً با سپاهیانش به کربلا آمد و پس از محاصره خفاجه او را به قتل رساند. همچنین با این کار امنیت مردم را برقرار، و خسارت و زیان‌های وارده به شهر و حائر حسین را جبران کرد. مؤیدالدین محمد قمی (وزیر شیعی ناصر عباسی) بنایی را که ابن سهلان ساخته بود، تزیین، و بخشی از آن را در سال ۶۲۰ قمری تعمیر کرد. او صندوقی چوبی روی قبر قرار داد و آن را با پارچه‌های زیبا و حریر پوشاند و دیوارهای حرم و رواق‌ها را با چوب ساج تزیین کرد. (همان، ص ۱۰۵)

### ۴. بازسازی حرم در دوره جلایریان

با حمله مغول به بغداد، خلافت عباسی در سال ۶۵۶ قمری ساقط شد. مغول‌ها در آن تهاجم، حرمت مکان‌ها و شهرهای مقدس را حفظ کردند و هیچ تعرضی نسبت به آنها انجام ندادند. بنایی که ابن سهلان در ابتدای قرن پنجم ساخته بود تا پایان قرن هشتم استواری و استحکام خود را حفظ کرد و حدود سه قرن، بدون آنکه بازسازی جدی‌ای روی آن صورت بگیرد، هم چنان پا برجا ماند.

حدود یک قرن پس از حمله مغول‌ها، در سال ۷۶۷ قمری سلطان اویس (مؤسس سلسله جلایریان) که از دست‌نشانده‌های ایلخانان مغول بود، حرم را تعمیر و بازسازی کرد. دو



فرزند او به نام‌های سلطان حسین و سلطان احمد نیز در این بازسازی نقش داشتند. تاریخ این بنا و تعمیر آن در بالای سر حرم مطهر (در قسمت جنوب غربی، محلی که به نام «نخله مریم» مشهور است) روی ستونی کنار محراب ثبت شده بود. این تاریخ تا سال ۱۲۱۶ قمری محفوظ ماند و در آن سال پس از تهاجم و غارت وهابی‌ان، محراب و آثار آن محو شد.

در این بازسازی بنای مسجد و حرم نوسازی شد، گنبدی نیم‌دایره‌ای بر فراز ضریح قرار گرفت که بر چهار طاق در چهار سمت استوار بود و سمت بیرونی هر یک از این طاق‌ها را رواقی تشکیل می‌داد. این گنبد، به لحاظ شکل هندسی، زیبا و بسیار ماهرانه ساخته شد و تجلی معماری اسلامی بود. ضریح و رواق‌ها به گونه‌ای قرار گرفته بودند که زائران می‌توانستند دور ضریح و مزار شهیدان بچرخند، ولی امروزه چنین امکانی برای زیارت مزار آنان نیست. سلطان احمد جلایری، ایوان روبه‌روی صحن معروف به ایوان طلا، و مسجد صحن واقع در اطراف حرم را ساخت. در آن دوران آینه، خاتم‌کاری‌ها و کاشی‌ها با منظره‌های طبیعی اوج معماری اسلامی را در رواق‌ها و حرم به نمایش گذاشت. کتیبه‌ای از کاشی با آیه و سوره‌های قرآن کریم به خط ثلث، روی دیوار رواق‌ها جلوه زیبایی به حرم بخشید. به فرمان سلطان احمد، دو گلدسته حرم نیز با آجرهای زرد کاشانی تزیین، و تاریخ بنا بر ساقه مناره‌ها به زبان فارسی و در قالب حروف ابجد (عدد ۷۹۳) ثبت شد. (سماوی، بی‌تا، ص ۳۰۴)

## ۵. بازسازی حرم در دوره صفویه

پادشاهان صفوی، که ترویج‌کننده مذهب تشیع بودند، در بسیاری از سرزمین‌های زیر سلطه خویش به تعمیر و ساخت بناهای مربوط به امامان شیعه و امامزاده‌ها و تکریم آنان پرداختند. شاه اسماعیل صفوی (مؤسس سلسله صفوی) از کسانی بود که در این راه تلاش زیادی کرد. او در سال ۹۱۴ قمری حرم امام حسین (علیه السلام) را تزیین کرد. او صندوقی از خاتم بسیار نفیس و گرانبها روی قبر مطهر قرار داد و تمامی رواق‌های حرم را با فرش‌های گرانبهای ایرانی پوشاند و دوازده چهل چراغ شیشه‌ای و طلایی، از جنس طلای خالص، به حرم تقدیم کرد. از جمله کارهای مهم شاه اسماعیل در تزیین حرم، طلا و آینه‌کاری رواق‌ها و آرایش حرم

با سنگ‌های مرمر و رخام در ۹۲۰ قمری بود که قبل از آن به صورت گچ و آجر بود. (مدرس، ۱۳۸۰ ش، ص ۳۱۴) او همچنین دستور داد حاشیه‌های ضریح را طلاکاری کنند.

شاه عباس صفوی از دیگر پادشاهان صفوی است که اقدام‌های شاه اسماعیل را تداوم بخشید و به تزیین حرم پرداخت. او ضریح مسی بر قبر مطهر ساخت و آن را با پرده‌های حریر قیمتی پوشاند. همچنین او گنبد حرم را از قسمت نمای خارجی نوسازی کرد و از داخل نیز با کاشی به آن زینت داد. شاه عباس پول فراوانی در اختیار متولی و خادمان حرم قرار داد و صندوق زیبایی بر قبر مطهر نصب کرد. شاه صفی نیز هنگام زیارت حرم، دستور داد مسجد پشت سر را توسعه دهند و رواق شمالی را بنا کنند که بعد از بنا به رواق شاه معروف شد. همچنین به دستور او دیوار صحن از سمت شمال خراب شد و مساحت آن گسترش یافت. این کار را وزیر شاه صفی به نام قزاق خان بیگلربیگی انجام داد. او در سراسر دیوار شمالی حجره ساخت و مقابل هر حجره ایوانی ایجاد کرد که با کاشی‌های گرانبهایی تزیین شده بود؛ این ایوان‌ها به «صافی صفا» معروف است. شاه سلیمان صفوی در سال ۱۰۴۸ قمری به توسعه مسجد پشت سر، و صحن از سمت شمال و احداث رواق شمالی پرداخت. راضیه سلطان بیگم (دختر شاه سلطان حسین) نیز هزینه‌ای برای تعمیر و تزیین ضریح مطهر تقدیم کرد. (همان، ص ۳۱۶)

## ۶. بازسازی حرم در دوره افشاریه

نادرشاه افشار در سال ۱۱۳۵ قمری کربلا را زیارت کرد و بودجه فراوانی برای نوسازی حرم امام حسین علیه السلام اختصاص داد و فرمان داد بناهای موجود را تزیین کنند. او هدیه‌های گرانبهایی به گنجینه حرم هدیه کرد. پادشاهان عثمانی نیز با وجود اینکه سنی مذهب بودند، اما به مقبره‌ها توجه ویژه‌ای داشتند و چون در آن دوران کربلا و دیگر شهرهای عراق زیر سلطه پادشاهان عثمانی بود، آبادانی آن شهر را وجهه همت خود قرار می‌دادند. سلطان سلیمان قانونی پس از زیارت بقعه امام حسین علیه السلام به مرمت، سفیدکاری و گچ کاری خارجی گنبد دستور داد. بعدها سلطان مراد سوم عثمانی نیز علی‌پاشا (والی بغداد) را مأمور

نوسازی آستانه کرد. (همان، ص ۳۱۸)

### ۷. بازسازی حرم در عصر قاجار

عمده‌ترین بازسازی‌ها و توسعه‌ها و تزیین حرم در عصر قاجار صورت گرفت که اثرهای آن همچنان تا عصر حاضر باقی مانده است. نخستین اقدام در این عصر طلاکاری گنبد به دستور آقامحمدخان قاجار در سال ۱۲۱۱ قمری بود. دو سال بعد، سیدمحمد مهدی شهرستانی حرم را از سمت شمال توسعه داد و دیوار حائل مسجد شمالی و روضه را برداشت. در سال ۱۲۱۶ قمری حرم دستخوش تجاوز و هجوم وهابیان قرار گرفت، ضریح و رواق آن ویران شد و اشیاء نفیس آن به غارت رفت. اما در سال ۱۲۱۷ قمری سیدعلی طباطبایی (صاحب ریاض) حرم را از سمت غربی گسترش داد؛ به گونه‌ای که مزار سیدابراهیم مجاب داخل رواق و شبستان قرار گرفت. این دو بزرگوار حرم را از شرق، شمال - با ادغام مزار شهیدان و مسجد شمالی - و اندکی نیز از سمت جنوب وسعت دادند. (مدرسی، ۱۳۸۰ ش، ص ۴۰۹)

فتحعلی‌شاه قاجار نیز در سال‌های ۱۲۲۷ و ۱۲۵۰ قمری بنای فرسوده حرم را نوسازی، و پوشش طلای گنبد را بازسازی کرد. او ضریح نقره‌ای جدیدی را برای قبر مطهر ساخت و گنبد داخل ایوان را طلاکاری کرد. بنابراین به این صورت تمامی آنچه را وهابیان تخریب کرده بودند، بازسازی کرد.

فتحعلی‌شاه همچنین در سال ۱۲۳۲ قمری فرمان داد تا روی ضریح مسی مرقد، که شاه عباس ساخته بود، ضریح نقره‌ای بسازند و صندوق خاتم روی مرقد را با چوب ساج روکش کنند. این صندوق را هم آقامحمدخان نصب کرده بود. در این دوران، کربلا دیواری محکم با چهار دروازه داشت؛ دروازه بغداد در شمال، دروازه خیمه‌گاه در جنوب، دروازه نجف اشرف در مشرق و دروازه حر در مغرب. (همان، ص ۴۶۴)

در سال ۱۲۸۵ قمری ناصرالدین‌شاه نیز برای توسعه، ترمیم و تزیین بقعه کوشش‌هایی انجام داد. او به زیارت عتبات آمد و شرح کامل این سفر را در سفرنامه عتبات خود نگاشت. وی صحن را از سمت غربی آن توسعه داد و گنبد و بخشی از پوشش طلای آن را بازسازی کرد.

همچنین ایوان بزرگی را در سمت قبله احداث کرد که به نام خود او (ایوان ناصری) مشهور شد. در همان دوران داخل حرم تعمیر، و حجره‌های صحن از نو ساخته شد. (همان، ص ۴۷۵)

## ۸. بازسازی حرم در دوره معاصر

در سال ۱۳۶۰ قمری سیف‌الدین طاهر هندی یکی از مناره‌ها را، که خراب شده بود، از نو ساخت و سپس هر دوی آن را طلاکاری کرد. در سال ۱۳۶۷ قمری خانه‌ها و مدرسه‌های دینی مجاور صحن، از جمله جامع یا مدرسه ناصری که آن را ناصرالدین شاه در ۱۳۰۱ ساخته بود و در سمت غربی صحن امام حسین علیه السلام قرار داشت، تخریب شد. این مدرسه از شمال به مدرسه زینبیه و در ساعت، و از جنوب به مدرسه صدراعظم نوری (معروف به صدر) متصل بود. این مسجد و دو مدرسه را عبدالرسول خالصی تخریب کرد.

برای این تعمیرات کامیون‌هایی حامل ۵۵ تن سنگ مرمر از یزد از سوی سیدمحمدآقا یزدی و مصطفوی، و شصت کامیون از طرف جمعی از بازرگانان تهران ارسال شد. این مرمرها همه در کف حرم مطهر و تمامی دیوارهای داخل آن تا ارتفاع سه متر کار گذاشته شد و در سال ۱۳۶۸ قمری عملیات روکاری با سنگ مرمر به پایان رسید. در این توسعه علاوه بر مدرسه‌ها آثار دیگری از جمله مسجد و مقام رأس الحسین، مدرسه و مسجد سردار حسن خان، که محمدحسن خان قاجار (پدر آقامحمدخان) در سال ۱۱۸۰ قمری ساخته بود، به دستور عبدالرسول خالصی ویران شد. همچنین تکیه بکتاشیه، ورودی باب قاضی الحاجات و مأذنه‌های مزار پادشاهان آل بویه نیز تخریب شد. (کرباسی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۴۱۱)

تمامی این تخریب‌ها به بهانه ساخت یک فلکه بود، ولی آثار علمی، تاریخی و فرهنگی را به شدت تحت تأثیر قرار داد. در سال ۱۳۷۰ قمری مرحوم صبری هلالی به خطاطی آیه‌های سوره دهر در حرم پرداخت. ضلع شرقی حرم در این سال ساخته و ایوان‌ها و طاق‌ها نیز با کاشی‌های زیبا و نفیس تزیین شد. یک سال بعد بنای گنبد و پوشش طلای آن مرمت شد و در سال ۱۳۷۳ قمری سقف رواق‌های حرم به طور کامل بازسازی، و کاشی‌های معرقی از اصفهان زینت بخش حرم شد. همچنین قسمت بالای ایوان ناصری نیز طلاکاری شد.

در سال ۱۳۸۸ قمری سقف قدیمی ایوان را برداشتند و ستون‌های سنگی را، که از ایران وارد شده بود، نصب کردند. این کار دو سال به طول انجامید و پس از آن به بنای جدید ایوان طلا پرداختند. در سال ۱۳۹۴ قمری طرح نوسازی و هماهنگ‌سازی صحن شریف تدوین شد. این طرح شامل احداث مجدد ایوان، خراب کردن ضلع غربی صحن و تزئین دیوارها با کاشی بود که اجرای آن تا سال ۱۳۹۶ قمری طول کشید.

صحن حرم امام حسین علیه السلام محدوده مستطیلی شکلی را در بر می‌گیرد که ضلع شمال به جنوب آن از بیرون ۱۲۵ متر، و ضلع شرق به غرب آن ۹۵ متر است. این محدوده همه بناهای حرم را در خود جای داده و در داخل یک صحن به مساحت ۳۸۵ متر مربع قرار دارد. حرم و بقعه در وسط این صحن قرار دارد که با کاشی پوشانده شده است. (همان، ص ۴۱۲)

ارتفاع دیوار حرم دوازده متر، طول دو ضلع شمالی و جنوبی ۵۵ متر، و طول ضلع شرقی و غربی آن ۴۴۵ متر است. حاشیه دیوارهای حرم از سمت بیرون با آیه‌های قرآن تزئین شده است. کف داخل آن سنگ مرمر است و دیوارها نیز کاشی‌کاری شده و به سوره هل اتی، یس و سوره‌های کوچک با خط ثلث سفید در متن کاشی لاجوردی مزین شده است. این تزئین‌ها در سال‌های ۱۳۶۳ تا ۱۳۶۹ قمری انجام داده شد. در ضلع جنوبی صحن، بالای ورودی اصلی صحن (یعنی باب القبله) ساعت بزرگی روی یک پایه سیمانی بلند قرار دارد که آن را تولیت آستان حسینی، در سال ۱۳۸۲ قمری از آلمان خریداری کرده است. این ساعت جایگزین ساعت قدیمی‌تری شده است که آن را ناصرالدین شاه قاجار در سال ۱۳۱۲ قمری هدیه کرده بود. بدنه پایه یا برج ساعت نیز در سال ۱۳۸۳ قمری کاشی‌کاری، و بالای آن گنبد کوچکی از طلا نصب شد. (همان، ص ۴۱۳)

## ۹. نقش ستاد بازسازی عتبات

بعد سقوط رژیم صدام حرکت‌های مردمی و اقدامات سازنده «ستاد بازسازی عتبات عالیات» با هدف ترمیم، به‌سازی، نوسازی و توسعه وسیع حرم‌های مطهر در عراق شکل گرفت. این اقدامات، که به دلیل عدم آمادگی کافی عراق از جنبه‌های مالی و مهندسی

بسیار ضروری بود، با مشارکت نهادهای مردمی و خیرین پیگیری شد. بی تردید این همکاری‌ها نه تنها در عمران و آبادی این اماکن اثرگذار بود، بلکه موجب تقویت مناسبات و هماهنگی‌های دوجانبه میان ملت‌های ایران و عراق شد. گسترش پرشکوه راهپیمایی اربعین در سالیان اخیر، مصداق بارز این پیوند است.

#### ۱۰. توسعه شهری کربلا

در آغاز قرن هجدهم بغداد تحت سلطه عثمانی نظام سیاسی آشفته‌ای داشت. جنگ‌های همیشگی با ایران، سلطه عثمانی را بیشتر تضعیف کرده بود. این منطقه میدان جنگ بین عثمانی و ایران بود. به این ترتیب، حسن پاشا در سال ۱۷۰۴ میلادی از سوی قسطنطنیه برای ایجاد ثبات در منطقه به فرمانداری منصوب شد. حسن پاشا به حرم‌های نجف و کربلا علاقه‌مند شد و در سال ۱۷۰۵ میلادی برای زیارت حرم امام حسین (علیه السلام) به کربلا رفت. او کربلا را به عنوان نقطه آغازی برای احیای شهرهای تحت سلطه‌اش برگزید و دستور داد نهرهای آب کربلا را لایروبی، و کاروانسرای خان حمید، بین کربلا و نجف، را بازسازی کنند. (انصاری، ۱۴۲۶ق، ص ۴۵)

در سال ۱۹۱۴ میلادی پس از جنگ جهانی اول، ساختمان‌های جدید و خیابان‌های عریض با معماری نسبتاً جدید در کربلا ساخته شد. پیش از آن در سال ۱۲۱۷ قمری و با تلاش آیت‌الله سیدعلی طباطبایی (صاحب ریاض) سومین دیوار با شش دروازه، که هر یک نامی مخصوص داشت، ساخته شد.

از حدود سال ۱۳۳۰ قمری و تقریباً همزمان با استقلال نسبی دولت عراق و کوتاه شدن دست استعمار پیر، شیوه‌های معماری غربی به این کشور، و به تبع به کربلا، راه یافت. معماری غربی نیز به معنای فرار از کوچه‌های تنگ و پُر پیچ‌وخم و واردات مصالح ساختمانی جدید، مثل سیمان و بتن، در ساختار معماری این شهر بود. کاروانسرای هندیان، که «بُهره‌ها» آن را ساختند، و ساختمان اداره آب و برق، اداره پست، کتابخانه‌ها و شهرداری به وجود آمد. همچنین میدانی بزرگ در بین الحرمین برای تجمّعات اهالی شهر

کربلا و زائران ساخته شد. برای این منظور خانه‌های در مسیر تخریب شد و به جای آنها در دو طرف مغازه‌ها و خانه‌هایی ساخته شد. بازار عرب، بازار حسین، بازار خیمه‌گاه و بازار عباس نیز در نقاط مختلف این میدان ساخته شد. (همان)

شهرداری کربلا در طی سال‌های ۱۹۳۵ تا ۱۹۴۸ میلادی اقدام به ساخت خیابان کمربندی دور حرم مطهر حسینی و عباسی ساخت. از ۱۹۵۴ تا ۱۹۹۲ میلادی شهرک‌های متعددی در فواصل معینی از کربلا ساخته شد. نام‌های برخی از این شهرک‌ها عبارت است از: معلّمین، اسکان، حسین و عباس (علیه‌السلام)، حرّ، رمضان، شهداء، سلام، انتصار و تعاون. در نقشه این شهرک‌ها صرفاً از معماری جدید استفاده شده و به معماری اصیل عراقی - اسلامی توجه نشده است. در طول دو دهه گذشته نیز ساختمان‌هایی، مخصوصاً در میدان بزرگ بین الحرمین، ساخته شد که هیچ ارتباطی با فرهنگ اسلامی ندارد. در سال ۲۰۰۶ میلادی کمیته‌ای فنی در کربلا تأسیس شد که وظیفه‌اش ارائه شروطی لازم الاجرا برای طرح نقشه‌کشی بناهای جدید به دفاتر مشاوره مهندسی عراقی بود؛ به این دلیل که از آن پس در ساخت ابنیه، به اصول معماری قدیم توجه شود تا اگر همان سبک قابل اجرا نیست، حداقل ویژگی‌های آن در معماری جدید تا حد ممکن پیاده شود. (همان، ص ۴۶)

ارتش انگلیس در سال ۱۳۳۹ قمری به سوی کربلا حرکت کردند و جلوتر از آنها هواپیماهای جنگنده به پرواز درآمدند و کربلا را در محاصره شدیدی قرار دادند. دور تا دور کربلا را سیم خاردار کشیدند و از ورود و خروج منع می‌کردند. خانه‌های کسانی را که فرار کرده یا در حال بازگشت بودند خراب کردند و شاید در این بین برخی از خانه‌های بی‌گناهان نیز تخریب شد. ارتش انگلیس اسلحه اهالی کربلا را جمع‌آوری، و اشخاص متهم و مظنون به فرماندهی انقلاب را دستگیر کرد. آنها نزدیک پانزده نفر را دستگیر کردند که برخی عالم و برخی رئیس طایفه بودند. آنها محاصره را بر مردم شهر تنگ کردند. این محاصره شش روز طول کشید. ارتش انگلیس در چهارم ربیع‌الاول به سمت نجف حرکت کرد و نجف را در مقایسه با کربلا در محاصره شدیدتری قرار داد و تمام کارهایی را که در کربلا انجام داده بودند، به گونه‌ای

شدیدتر در نجف تکرار کردند. این کار بر اهالی نجف بسیار گران آمد. ارتش انگلیس بین مردم و آب، فاصله انداخت تا آنچه می خواستند و در نظر داشتند، قطعاً انجام داده شود. آنها برخی رؤسای انقلاب، از جمله شیخ حسن (فرزند آیت الله شیخ الشریعه) و شیخ جواد (از نوادگان مرحوم صاحب جواهر) را دستگیر کردند. ورود ارتش انگلیس، هم زمان با ورود ده فرزند هواپیمای جنگی به آسمان نجف بود. (همان، ص ۴۷)

### ۱۱. ساخت شهرک های جدید در قرن بیستم

در سال ۱۹۵۵ میلادی استاندار کربلا (حسن السعد) شهرک «الحسین» را تأسیس کرد. این شهرک در جنوب غربی مرکز شهر و در سه کیلومتری جاده جدید کربلا - نجف، در مجاورت محله اسکان، قرار گرفته است. هم اکنون شهرک «الحسین» یکی از شهرک های بزرگ حومه کربلا به شمار می رود. این شهرک در نقشه به صورت دایره وار طراحی شده و هتل های «گردشگری» در وسط آن ساخته شده است. در دهه شصت محله های جدیدی ایجاد شد؛ از جمله:

- محله معلمان که در سال ۱۹۶۰ میلادی در غرب این شهر ساخته شد و تا مرکز شهر تقریباً چهار کیلومتر فاصله دارد.

- شهرک شهرداری که در سال ۱۹۶۱ میلادی در محدوده بین خیابان شهرک الحسین و خیابان بیمارستان قدیم ساخته شد.

- شهرک العباس که در سال ۱۹۶۴ میلادی در جاده جدید کربلا - بغداد ساخته شد و حدود سه کیلومتر با مرکز شهر کربلا فاصله دارد. (خلوصی، ۱۴۲۶ق، ص ۱۲۳)

در اوایل دهه هفتاد و در نتیجه افزایش جمعیت شهر کربلا و جابه جایی گروه های بزرگ جمعیتی از مناطق اطراف شهر و برخی از شهرها و روستاهای دیگر، گسترش شهر به صورت افقی در خارج از محیط قدیم آغاز، و شهرک های جدیدی احداث شد که بیشتر آنها در ضلع غربی و جنوب غربی شهر واقع شده اند؛ از جمله:

۱. شهرک های «حرّ»، «العامل»، «نقیب»، «اصلاح زراعی» و «جمعیت» در سال ۱۹۷۰ میلادی.



۲. شهرک‌های «رمضان»، «أسرة»، «ملحق»، «صحّة» و «بنوک» در سال ۱۹۷۵ میلادی.

۳. شهرک «موظفین» در سال ۱۹۷۶ میلادی.

۴. شهرک «سیف سعد» در سال ۱۹۷۷ میلادی.

۵. دو شهرک «عروبه» و «ثوره» در سال ۱۹۷۸ میلادی.

در نتیجه افزایش جمعیت و هجوم سایر گروه‌های جدید از دیگر شهرهای عراق در جنگ تحمیلی عراق بر ایران در سال ۱۹۸۰ میلادی، جمعیت شهر کربلا در سال ۱۹۸۵ میلادی به ۵۷۵ هزار نفر رسید. درحالی‌که این جمعیت در سال ۱۹۷۱ میلادی حدود ۲۱۳ هزار نفر بود؛ یعنی میزان افزایش در طی ۱۴ سال ۸۱ درصد بوده است. در ضمن این آمار مربوط به شهر کربلا است. (همان)

از سوی دیگر در نتیجه گسترش برخی از خیابان‌ها (مانند خیابان باب قبله (ابوفهد)، سدره و جمهوری) و پیدایش خیابان‌های جدید در داخل شهر (مانند باب سلطانی و محیط)، بسیاری از خانواده‌ها مجبور شدند خانه‌های خود در این شهر را تخلیه کنند و نتوانستند خانه‌های جدید دیگری در این محل بسازند. شهر کربلا با این وضع موجود نیز گنجایش این جمع زیاد از ساکنان و ساخت خانه‌های جدید اضافه را ندارد. بنابراین مسئولان شهر بار دیگر توسعه افقی شهر را از ضلع غربی و جنوب غربی در خارج از محدوده راه به گونه‌ای خاص آغاز، و بار دیگر شهرک‌های جدید دیگری تأسیس کردند که عبارتند از:

۱. دو شهرک «انتصار» و «بهادلیّه» در سال ۱۹۸۰ میلادی؛

۲. شهرک «عسکری» با دو بخش در حُرّ و خلف الطافه، یکی در سال ۱۹۸۰ میلادی و

دیگری در سال ۱۹۸۳ میلادی؛

۳. دو شهرک «ضباط» و «شهدا» در سال ۱۹۸۳ میلادی؛

۴. شهرک «سلام» در سال ۱۹۸۹ میلادی؛

۵. شهرک «صمود» در سال ۱۹۹۰ میلادی؛

۶. شهرک «تحدی» در سال ۱۹۹۲ میلادی؛

## ۷. شهرک «تعاون» در سال ۱۹۹۲ میلادی.

بیشتر شهرک‌های جدید کربلا فاقد ابتدایی‌ترین امکانات زندگی مدنی است؛ با امکاناتی مانند مراکز تجاری، بازارهای جدید مردمی، مراکز دولتی (شهرداری، بهداشت، حمل‌ونقل و ...)، مراکز اجتماعی و فرهنگی، زمین‌های بازی و ورزشی و فضای سبز. (همان، ص ۱۲۴)

ساختمان‌های این شهرک‌ها با سبک و سیاق معماری متفاوت با بنای قدیمی رایج در شهر کربلا متمایز می‌شوند. سازندگان بدون توجه به محیط شهری اصیل شهر به سمت مدرنیته شهری شتافته‌اند که باعث شده ساختمان‌های شهرک‌های جدید بخشی از ویژگی‌های معماری خود را از دست بدهند. شاید تخریب مناطق وسیعی از مرکز شهر کربلا (ساختمان حرم‌های مطهر و خانه‌های اطراف آن) به دست رژیم سابق پس از انتفاضه شعبانیه مردم کربلا (۱۹۹۱م/ اسفند ۱۳۷۰ش)، نشان‌دهنده اوج تخریب عمدی در از بین بردن همه نشانه‌های شاخص معماری اسلامی بود که باعث شد این شهر بسیاری از میراث معماری خود را از دست بدهد؛ مانند مساجد، مؤسسات، مدارس علمیه، حسینیه‌ها، بازارها، کاروانسراها و خانه‌های قدیمی زیبا.

زمین بین دو حرم مطهر به یک میدان وسیعی به طول ۳۵۰ و عرض ۱۶۰ متر تبدیل شد. در ابتدای سال ۱۹۹۷ میلادی (۱۳۷۶ش) شهرداری کربلا این میدان عریض را سنگفرش کرده و در قسمت‌هایی از آن درخت نخل کاشت؛ بدون برنامه‌ریزی و طراحی، و بدون اتخاذ روش‌های مهندسی برای به‌سازی محوطه، مجوز ساخت هتل در اطراف این میدان صادر شد. به همین ترتیب ساختمان‌هایی در بین الحرمین ساخته شد که با معماری ویژه زیارتگاه‌ها و بافت قدیمی شهر همخوانی نداشت. (همان، ص ۱۲۵)

طی دهه‌های گذشته ساخت‌وسازهای خودسرانه و تخریب بناهای مذهبی و باستانی به بهانه بازآفرینی منطقه، به تضعیف جایگاه حرم‌های مطهر و تحت تأثیر قرارگرفتن قداست آنها در محیط ناهمگون شهری منجر شده است. در سال‌های گذشته ساختمان‌های

زیادی در مجاورت حرم‌های مطهر و بین الحرمین ساخته شده‌اند که بخش اعظمی از آنها هتل‌های ناهمگون با آثار باستانی است و اصالت و ویژگی‌های معماری اسلامی را، که از شاخصه‌های اصلی این شهر بوده، ندارد.

در آوریل ۲۰۰۶ میلادی کمیته‌ای مهندسی در کربلا تشکیل شد که مأموریت آن طراحی نقشه جدید شهری در شهر مقدس کربلا بود. این کمیته از دفاتر مشاوره مهندسی عراقی و بین‌المللی دعوت کرد تا پیشنهادات خود را برای طراحی مجدد شهری با توجه به ویژگی‌های اصلی آن ارائه کنند. (همان، ص ۱۲۵)

## بازتاب کربلا در ادبیات و فرهنگ عاشورایی

### ۱. در ادبیات عرب

ابوفراس حمدانی و کربلا در قصیده پنجاه و هفت بیت می‌میت‌ه خود، که از بحر بسیط شروع می‌شود، به کربلا اشاره کرده است. (کرباسی، ۱۴۲۲ق، ج ۴۱، ص ۵۶۸) در بخشی از این قصیده آمده است:

|                                                 |                                                   |
|-------------------------------------------------|---------------------------------------------------|
| الدِّينُ مُحْتَرَّمٌ وَ الْحَقُّ مُهْتَضَمٌ     | وَ فِيَّ آلِ رَسُولِ اللَّهِ مُقْتَسَمٌ           |
| يَا لِلرِّجَالِ أَمَا لِلَّهِ مُنْتَصَفٌ        | مِنَ الطُّغَاةِ أَمَا لِلدِّينِ مُنْتَقِمٌ        |
| بَنُو عَلِيٍّ رَعَايَا فِي دِيَارِهِمْ          | وَ الْأَمْرُ قَلْبُكُمُ النِّسْوَانُ وَ الْحَدَمُ |
| لَا يُطِغِينَ بَنِي الْعَبَّاسِ مُلْكُهُمْ      | بَنُو عَلِيٍّ مَوَالِيَهُمْ وَ إِنْ زَعَمُوا      |
| قَامَ النَّبِيُّ بِهَا يَوْمَ الْغَدِيرِ هُمْ   | وَ اللَّهُ يَشْهَدُ وَ الْأَمْلَاقُ وَ الْأُمَمُ  |
| ثُمَّ ادَّعَاهَا بَنُو الْعَبَّاسِ إِثْرَهُمْ   | وَ مَا هُمْ قَدَمٌ فِيهَا وَ لَا قِدَمٌ           |
| أَأَنْتُمْو آلُهُ فِيمَا تَرَوْنَ وَ فِي        | أَظْفَارِكُمْ مِنْ بَنِيهِ الطَّاهِرِينَ دَمٌ     |
| يَا عَصْبَةَ شَقِيتٍ مِنْ بَعْدِ مَا سَعَدَتْ   | وَ مَعْشَرًا هَلَكُوا مِنْ بَعْدِ مَا سَلِمُوا    |
| لِبِئْسَ مَا لَقِيتَ مِنْهُمْ وَ إِنْ بَلَّيْتَ | بِجَانِبِ الظَّفِّ تِلْكَ الْأَعْظَمُ الرِّمَمُ   |

ترجمه: دین تضییع می‌شود، حق تعرض می‌شود و غنایم خاندان پیامبر خدا تقسیم می‌شود.

آهای مردان، آیا خداوند از ظالمان انتقام نمی‌گیرد؟ آیا از جانب دین انتقام نمی‌گیرد؟ فرزندان علی در خانه‌های خود زیر دست هستند و کار در دست زنان و خدمتکاران است. عباسیان نباید بگذارند سلطنتشان تابع حکومت موکلانشان، خاندان علی، باشد؛ هر چند ادعا کنند.

پیامبر در روز غدیر برای آنها این کار را کرد و خداوند شاهد است و پادشاهان و امت‌ها نیز شاهد هستند.

سپس عباسیان آن را به عنوان میراث خود ادعا کردند، هرچند که در آن جای پا و هیچ محل سکونت نداشتند.

آیا شما در آنچه می‌بینید متحیر هستید، درحالی که خون فرزندان پاک او در زیر ناخن شماست؟

ای گروهی که بعد از شادی بدبخت شده‌اید، و ای گروهی که بعد از سلامتی هلاک شده‌اید،

چه بد است آنچه از آنها گرفتار شده‌ام؛ هر چند آن استخوان‌ها در کنار الطاف از بین رفته باشد.

دو بیت آخر به تخریب مرقد امام حسین علیه السلام به فرمان متوکل در سال ۲۳۶ قمری اشاره می‌کند. چنان‌که در کتاب طبری، مروج الذهب، و فخری آمده است. آنچه ابوفراس را به سرودن این قصیده واداشت، سرودن شعری از طرف محمد بن سکره هاشمی برای تحقیر فرزندان علی علیه السلام بود که آغاز آن این است:

بَنِي عَلِيٍّ دَعُوا مَقَالَتَكُمْ لَا يُنْقِصُ الدَّرَّ وَضْعُ مَنْ وَضَعَهُ

ای پسران علی، سخن خود را رها کنید، ارزش مروارید توسط فرودستی که آنرا کنار

قرار می دهد کم نمی شود.

ابوفراس به دلیل سبکی شعرش جوابی به او نداد و درباره مقامات اهل بیت علیهم السلام گفت که چند بیتی از آن را آوردیم. (همان، ص ۵۶۹)

## ۲. توصیفات مستشرقان

### الف) تاریخ العرب الأدبی

یزید بدوی با همه غرایز و ذائقه بادیه نشینان، عشق به لذت دنیایی، نفرت از تقوا و بی تفاوتی و بی پروایی نسبت به دین بزرگ شد و آن قدر اباحه گری داشت که در تاریخ کمتر روایت شده است. او تخیلاتی مرتکب شد که مو به تن راست می کند؛ به برخی از این وقایع به طور مختصر اشاره می کنیم. در سال ۶۸۰ میلادی حسین بن علی همراه همه خانواده و تعدادی از دوستان وفادارش از مکه خارج شد؛ زیرا نوه پیامبر مدعی خلافت حقّه برای خودش بود. او نماینده ای به کوفه فرستاد و انتظار داشت که کوفیان، که تقریباً همه شیعه بودند، در زیر پرچم او جمع شوند و از آرمان او حمایت کنند، اما کوفه شهری پُرخطر و ناامن بود.

فرزدق شاعری بود که سرشت و ذات متقلب هموطنانش را می شناخت، به حسین گفت: «دل های کوفی ها با شما و شمشیرهایشان با بنی امیه است». ولی هشدار او فایده نداشت و در همین زمان بود که ابن زیاد (والی کوفه) با بریدن سر رهبر انقلابیون، مسلم بن عقیل (پسرعموی حسین) انقلابیون شهر را به وحشت انداخت. امکان عقب نشینی همچنان برای حسین باز بود، اما یارانش فریاد می زدند که انتقام خون سالم لازم است. حسین هیچ تردیدی به خود راه نداد و به موازات فرات به سمت شمال حرکت کرد و با گروه اندک خود، که حدود دویست نفر از جمله زنان و کودکان بودند، در کربلا فرود آمد.

شمر بن ذی الجوشن، که برای ابد به بدی از او یاد می شود، پیشنهاد داد که حسین بدون هیچ قید و شرطی تسلیم شود، ولی حسین و یارانش این پیشنهاد را رد کردند و آماده شدند که برابر لشکر ابن زیاد بایستند. (نیکلسون، ۱۹۶۶م، ص ۱۹۶)

بیان همه جزئیات هولناکی که در کربلا به وقوع پیوست مقدور نیست، اما به نظر می‌رسد سپاه بنی امیه می‌خواستند کسی را نکشند و امیدوار بودند که نوۀ پیامبر را زنده بگیرند، اما شمر برای حمله و هجوم آنچنانی هیچ منعی نمی‌دید و حتی از تأخیر جنگ خشمگین بود. در نهایت، در یک جنگ نابرابر، حسین و یاران دلیر او همگی کشته شدند.

روایات اسلامی به استثنای نمونه‌های نادر، دائماً با خاندان بنی امیه دشمنی دارند؛ حسین را شهید و یزید را قاتل او می‌دانند. موضع مسلمانان را نحوهٔ رابطهٔ امویان با اسلام تعیین می‌کند. اموی‌ها با این پرده‌داری که نسبت به احکام اسلام نشان دادند، و تمسخری که نسبت به معالم اسلام روا داشتند، دیگر نمی‌توانستند عنوانی غیر از جنایتکار داشته باشند و با این عنوان حق نداشتند که دست به خون مؤمنینی رنگین کنند. با بررسی دقیق‌تر درمی‌یابیم که آنچه تاریخ دربارهٔ آنان حکم خواهد کرد، همان حکم دین و قضاوت الهی اسلام است و بر این اساس، بنی امیه در طول تاریخ، به حق محکوم شده‌اند. (همان، ص ۴۶۶)

مسلماناً بنی امیه دلایل محکمی برای پشیمانی از جنایات در کربلا داشتند؛ چرا که پس از مدتی اجازه عزاداری به شیعیان داده شد و آنان شعار انتقام خون حسین، یعنی «یا لثارات الحُسن» را بر سر زبان‌ها انداختند؛ به طوری که از هر سویی شنیده شد. (همان، ص ۱۹۶) کربلا برای شیعیان، همان نهروان برای خوارج بود. شاعری به نام «کثیر عزة» (م ۱۰۵/ق ۷۲۳م) چنین می‌سراید:

|                                        |                                           |
|----------------------------------------|-------------------------------------------|
| أَلَا إِنَّ الْأُمَّةَ مِنْ قُرَيْشٍ   | وَلَاةُ الْحَقِّ أَرْبَعَةٌ سِوَاءُ       |
| عَلِيٌّ وَالثَّلَاثَةُ مِنْ بَنِيهِ    | هُمُ الْأَسْبَاطُ لَيْسَ بِهِمْ خِفَاءُ   |
| فَسِبْطُ سِبْطِ إِيْمَانٍ وَ بَرٍّ     | وَ سِبْطُ غَيْبَتِهِ كَرْبَلَاءُ          |
| وَ سِبْطُ لَا تَرَاهُ الْعَيْنُ حَتَّى | يَقُودَ الْحَيْلَ يُقَدِّمُهَا اللَّوَاءُ |
| يَغِيبُ لَا يُرَى عَنْهُمْ زَمَانَا    | بِرِضْوَى عِنْدَهُ عَسَلٌ وَ مَاءُ        |

همانا امامان از قریش هستند. اولیای حق چهار نفر شبیه هم هستند. علی و سه پسرش هستند و پنهان نیستند. پس فرزندی از ایمان و مصلحت، و فرزندی که زمین کربلا او را پنهان کرد، و فرزندی که از چشم‌ها پنهان می‌شود تا روزی که سوارکاران را رهبری کند، و غیبتی دارد و برای مدتی دیده نمی‌شود، و در رضوی زندگی می‌کند، و غسل و آب به همراه دارد. (اصفهانی، بی‌تا، ج ۸، ص ۱۴)

چیزی از قتل حسین نگذشته بود که مدفن او در کربلا به مقصدی تبدیل شد که شیعیان بارها به سوی آن سفر می‌کردند. وقتی توأین در سال ۶۵ ق (۶۸۴ م) قیام کردند، ابتدا به کربلا آمدند و پرچم‌های خود را برافراشتند. آنها یک صدا گریه می‌کردند و از خدا می‌خواستند که آنها را به دلیل تنها گذاشتن نوه پیامبر در شدت و بلا ببخشد. در این هنگام رهبرشان فریاد زد:

پروردگارا، بر حسین درود فرست؛ شهید پسر شهید و هدایت‌شده پسر هدایت‌شده، راستگو پسر راستگو. پروردگارا، گواه باش که ما پیرو دین آنها و راه آنها هستیم و دشمن قاتلان آنها و دوستان دوستان آنها هستیم. (نیکلسون، ۱۹۶۶ م، ص ۲۱۶)

در اینجا اولین مجلس عزاداری تشکیل شد و پس از آن هر سال در دهم محرم نیز هر کجا که شیعه‌ای باشد، تشکیل می‌شود. آن بزرگمرد شیعه بود که توانست این قیام را به سرمنزله مقصود برساند و راه را نشان دهد و اگر او نبود، قیام شیعه با شکست مواجه می‌شد. (همان، ص ۲۱۸؛ طبری، ۱۴۰۸ ق، ج ۲، ص ۵۴۶)

سرنوشت غم‌انگیز حسین در کربلا تأثیر عمیقی بر فرزندی شاعر گذاشت، از این رو وی از هموطنان خود خواست تا از این مسئولیت خود به نحوی خارج شوند؛ به همین دلیل چیزی گفت تا غیرت مردم را به جوش آورد. او گفت:

اگر عرب‌ها بر پسر مولای خود و بهترینشان خشمگین شوند، بدانید که عزتشان پابرجاست و حیثیتشان باقی است. ولی اگر زندگی طبیعی را به همین منوال

پیش برند و تغییر نکنند، خداوند بر زبونی و ذلتشان تا آخرالزمان می افزاید.

فَإِنْ أَنْتُمْ لَمْ تَتَّشَرُّوا لِابْنِ خَيْرِكُمْ فَأَلْقُوا السِّلَاحَ وَ اغْزِلُوا بِالْمَغَازِلِ

اگر انتقامِ فرزندیِ بهترینِ خلق خدا را نمی گیرید، پس اسلحه بر زمین بگذارید و [مانند زنان] با دوک ها مشغول ریسندگی شوید. (همان؛ اصفهانی، بی تا، ج ۱۹، ص ۳۴)

در سال ۱۸۰۱ میلادی وهابیان حرم امام حسین را غارت کردند، پنج هزار نفر را کشتند و به گنبد حرم آسیب زدند. (نیکلسون، ۱۹۶۶م، ص ۴۶۶)

#### ب) بلاد العرب

و هنگامی که دو پسر امام علی (حسن و حسین) در عرض بیست سال بعد از پدر به قبورِ خویش رفتند، برای یکی از آنها - اگر نگوییم برای هر دو - با خشونت، بدون اینکه هیچ یک از آنها، از حقش برخوردار شود، اهل بیت پیامبر به عنوان گروهی از پهلوانان بی رقیب روزگارِ خویش بود. صف زائرانی که به زیارت حرم علوی در نجف و حرم حسینی در کربلا آمدند، و احساساتی که هنوز از مصیبت های روز دهم محرم سراسر جهان اسلام را شعله ور می کنند، همه این مظاهر نشان می دهد که مرگ بیش از مجموع روزهای زندگی اش به نفع آن امام بوده است. (هوکارت، بی تا، ص ۷۵) وهابی ها در چند نوبت به کربلا حمله کردند. (هوکارت، ۱۹۲۲م، ص ۱۰۲)

#### ج) الاسلام فی القرون الوسطی

فرزند علی و نوه پیامبر در سال ۶۸۰ میلادی در کربلا در پی انقلابی ناموفق کشته شد. شمر بن ذی جوشن خود را توصیف می کند و اینکه مادرش او را فقط برای کشتن حسین به دنیا آورده است. این صحنه مانند نمایشنامه ای دراماتیک ما را خیلی جدی به یاد وفات مسیح می اندازد. (گوستاو، ۱۹۵۴م، ص ۱۹۱ و ۱۹۳)



#### د) تاریخ العرب

انبوه زائرنانی که پیوسته به حرم علی در نجف، و حرم فرزندش حسین - سرور اولیاء و شهدا در نگاه شیعیان - در کربلا، نزدیک نجف، و اینکه برای نمایش مذهبی هر ساله دهم محرم در سراسر جهان تشیع هجوم می آورند، گواه بر این است که گاهی مرگ انسان های مقدس سودمندتر از زندگی شان است. (هیتی، ۱۹۴۹م، ص ۱۸۳)

در دهم محرم سال ۶۱ قمری (۱۰ اکتبر ۶۸۰ م) عُمَر فرزند فرمانده مشهور سعد بن ابی وقاص با چهار هزار جنگجو، حسین و گروه کوچک دویست نفری او را در کربلا محاصره کرد؛ تقریباً در بیست و پنج مایلی شمال غربی کوفه، و چون حاضر به تسلیم نشدند، شمشیرها در بین آنها به کار افتاد و نوه پیامبر پس از تحمل چندین جراحت به شهادت رسید، و سرش برای یزید فرستاده شد. سپس سر را نزد خواهر حسین و پسرش، که به دمشق رفته بودند، فرستادند و در نهایت در کربلا دفن شد. شیعیان به مناسبت شهادت حسین هرساله با برگزاری مراسم عزاداری در ده روز اول محرم، نمایش مذهبی و دراماتیک را به اجرا گذاشتند و بر مصیبت، و در عین حال بر قهرمانی او تأکید داشتند. (همان)

این نمایش مذهبی سالانه در دو پرده انجام داده می شود که پرده اول در روز دهم محرم معروف به عاشورا در کاظمین - نزدیک بغداد -، و پرده دوم چهل روز بعد از آن، تحت عنوان «بازگشت سر» در کربلا اجرا می شود. خون حسین بیش از خون پدرش ثابت کرد که ستونی وجود دارد که مذهب شیعه بر آن استوار است و آن امامت در خاندان علی به عنوان یک اصل اعتقادی در عقاید شیعه است. «روز خونین کربلا» شعاری در جنگ ها به شیعیان داد که در خونخواهی حسین خلاصه می شد و روزهای بعد ثابت کرد که همین شعار، یکی از عوامل سستی پایه های دولت اموی بوده است. (همان، ص ۱۹۰)

در سال ۸۵۰ میلادی متوکل رسم قدیمی آزار و اذیت شیعیان را از سر گرفت و ضریح علی در نجف، و ضریح حسین در کربلا را تخریب کرد و بدین وسیله شامل لعن ابدی شیعیان قرار گرفت. (همان، ص ۴۴۰)

### ۳. منابع لغوی: بررسی ریشه‌شناسی واژه «کربلا»

#### الف) المنجد فی اللغة و الأدب و العلوم

«کربلا» شهری در عراق بین شهرهای حلّه، دلم، دیوانیه، نجف، کوفه و عین‌تمر است که ۳۵ هزار نفر جمعیت دارد و مشهد حسین بن علی، مقام فاطمه بنت الحسین، مقام میرزا شفیع خان (رئیس فرقه شیخیه)، مقام سیدکاظم الرشتی (رئیس فرقه کشفیه)، مرقد حسینعلی شاه (رئیس فرقه صوفیه)، و مرقد مؤمن ده‌ده (رئیس فرقه بکتاشیان) در آنجا قرار دارد. در دهم محرم سال ۶۱ قمری، برابر با ۱۰ اکتبر سال ۶۸۰ میلادی حسین بن علی در کربلا کشته شد. (لویس معلوف، ۱۹۵۶م، ص ۴۵۳، واژه کربلاء)

#### ب) قاموس الإسلام

«کربلا» یا مشهد حسین: شهری است در عراق که به خاطر مقتل حسین معروف شد. آرمگاه او در فاصله پنجاه مایلی جنوب غربی بغداد و حدود شش مایلی غرب فرات قرار گرفته است. (توماس هیوز، ۱۹۳۰م، واژه کربلاء)

#### ج) فرهنگ لاروس

«کربلا» شهری در عراق، نه چندان دور از فرات که ۶۵ هزار نفر جمعیت دارد و برای شیعیان مقدس است. (خلیل الجرّ، ۱۳۹۳ش، ج ۲، واژه کربلاء)

#### د) القاموس المحيط

«کربلا» نام مکانی است که حسین بن علی رضی الله عنه در آن کشته شد. (فیروزآبادی، ۱۴۱۵ق، واژه کربلاء)

#### ه) لسان العرب

«کربلا» نام مکانی است که قبر حسین بن علی عليه السلام در آنجاست. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص ۵۸۷، واژه کربلاء)

## و) کتاب العین

«کربلا» سرزمینی است که حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام در آن کشته شد. (فراهیدی، بی تا، ج ۵، ص ۴۳۲، واژه کربلاء)

## ز) تاج العروس من جواهر القاموس

«کربلا» نام سرزمینی است که حسین رضی الله عنه در آن کشته شد که خدا قاتلش را لعنت کند و بنا بر نظر صحیح در همان سرزمین به خاک سپرده شد و سر شریف او به شام انتقال داده شد و سپس به عسقلان و مصر برده شد و در مصر بنای با عظمتی به همین مناسبت ساخته شد. گفته شده که سر مطهر او به پیکر شریفش بازگردانده شد. روایت شده که وقتی حسین رضی الله عنه به این منطقه رسید و از نامش پرسید و شنید که می گویند: «کربلا»، با حالت خاصی فرمود: «کرب و بلا». (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۵، ص ۶۵۴، واژه کربلاء)

## ۴. «کربلا» در برگزیده اماکن

### الف) معجم البلدان

«کربلاء» نام بیابانی نزدیک کوفه است که حسین بن علی رضی الله عنه در آن سرزمین به شهادت رسید. (یاقوت حموی، ۱۳۲۴ق، ج ۷، ص ۲۲۹، واژه کربلاء)

### ب) أحسن التقاسیم فی معرفة الأقالیم

مرقد مولای ما حسین بن علی رضی الله عنهما در کربلا و نزدیک قصر ابن هبیره واقع شده است. (جرجی زیدان، بی تا، ج ۲، ص ۳۷۹، واژه کربلاء)

### ج) الروض المِعْطار فی خبر الأقطار

«کربلا» نام سرزمینی در عراق است که حسین بن علی رضی الله عنهما در آن کشته شد و به آن سرزمین «طَفّ» هم گفته می شود. (حمیری، ۱۳۶۳ق، ص ۴۹۰، واژه کربلاء)

#### د) معجم ما استعجم من أسماء البلاد و المواضع

«کربلا» نام سرزمینی در عراق است که حسین بن علی رضی الله عنهما در آن کشته شد و به آن سرزمین «طَفّ» هم گفته می شود. (بکری، ۱۴۰۳ق، ج ۴، ص ۱۱۲۳، واژه کربلاء)

#### ه) المعالم الأثرية في السّنة و السيرة

«کربلا» نام مقتل حسین بن علی رضی الله عنه است. (شَرّاب، ۱۴۱۱ق، ص ۱۷۵، واژه کربلاء)

#### و) دوحة الوزراء

در ماه ذی القعدة سال (۱۲۱۶ق - ۱۸۰۱م) بیماری طاعون در شهر بغداد گسترش یافت و به حومه و اطراف آن سرایت کرد. سلیمان پاشا وزیر را مجبور کرد که به سمت شهر الخالص فرار کند و تا برطرف شدن کابوس طاعون از بغداد در آنجا بماند. در همین حال نامه‌ای از سوی حمود الثامر (شیخ عشیره) به او رسید و به او اطلاع داده شد که سعود بن عبدالعزيز و جمع بزرگی از وهابی‌ها به سمت عراق حمله کردند. بنابراین او به علی پاشا دستور داد که برای دفع حملات آنها سفر کند. برخی از قبایل به او پیوستند. درحالی که قصد ادامه سفر را داشت، خبر رسید که وهابی‌ها به کربلا حمله کردند و تأسیسات آن را غارت کردند و حدود هزار نفر را به قتل رساندند. علی پاشا محمد بیگ الشاوی را نزد وزیر فرستاد تا او را از این ماجرا آگاه کند. او نیز به سرعت به سمت کربلا حرکت کرد و به امید شکست وهابیان و انتقام از آنها، شهر را از آنان باز پس بگیرد. (کرکولی، بی تا، ص ۲۱۶)

اما زمانی که علی پاشا در حله بود، خبر رسید که وهابیان پس از غارت و کشتار، پیش از ظهر به سوی قصر اخضر حرکت کرده اند، بنابراین علی پاشا به دلایلی به اجبار در حله ماند و پس از فرار وهابی‌ها از کربلا دیگر برای او دلیلی برای سفر به کربلا وجود نداشت. از سوی دیگر خبر آمد که طاعون از مردم بغداد تلفات زیادی گرفته است. این خبرهای غم‌انگیز حمله وهابی‌ها را متوقف کرد و مانع از ادامه آن شد، لذا علی پاشا برای احتیاط به اعزام نیرو به کربلا بسنده کرد و ابراهیم پاشا والی منطقه بابان و یارانش نیز به این نیروها پیوستند. آنها

خزانۀ حرم نجف اشرف را از ترس غارت وهابی‌ها به خزانۀ حرم موسی‌الکاظم رضی الله عنه انتقال دادند.

پس از آنکه علی‌پاشا حدود دو ماه و نیم در هندیه ماند، دستوری دریافت کرد که نیروهای تحت امر و فرماندهی خود را به چند بخش تقسیم کند که بخشی در ذوالکفل، بخشی در کربلا و بخشی در حله ساکن شوند و در این مکان‌ها استحکامات را بگیرند و سپس به بغداد برگردند. او نیز همان کاری را کرد که به او دستور داده شده بود. (همان، ص ۲۱۷)

### ز) حدیقه الزوراء فی سیره الوزراء

در شوال امسال (۱۱۱۷ ق - ۱۷۰۵ م) عَلم سفر به کربلا را برافراشت؛ برای زیارت سید و سالار شهیدان، امام صالحین، نور چشم اهل سنت و سرور جوانان اهل بهشت «اباعبدالله الحسین رضی الله عنه»، و برای زیارت شیر غیور شجاع، جسور و قطع‌کننده نفس‌ها از گمراهی یعنی حضرت ابوالفضل العباس، پس وارد کربلا شد و با خرقه پوشان ملاقات کرد و به فیض حضورش عودسوزها افروخته و چراغ‌ها روشن شد، پس نسبت به خادمانش سخاوتمند و با فقرای آن مهربان بود و برای رسیدن به مصیبت و تلاشش دعا کرد و سپس به قصد نجف رهسپار شد.

در سال ۱۱۵۳ قمری نادرشاه به همراه یکی از خوانین و نیز نماینده‌ای از اطرافیان دره فراوان و بی‌شماری را برای حرم مولای ما امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و فرزندش حسین بن علی، و همچنین برای موسی بن جعفر الکاظم رضی الله عنهم فرستادند. (سیدی، بی‌تا، ص ۳۱)

در سال ۱۱۵۴ قمری راه‌ها ناامن و ترسناک شد؛ زیرا راهزنانی بودند که جلوی رهگذران را سد می‌کردند و بارهایشان را می‌گرفتند و معلوم نبود که از کدام طایفه‌اند. این وضع ادامه داشت و روز به روز بدتر می‌شد. خبر به حکومت رسید و حکومت نیز مخبرینش را فرستاد تا از اوضاع خبر بیاورد. معلوم شد که این راهزنان از قبایل پراکنده هستند. حکومت یک گروهان مخفی به فرماندهی سلیمان‌پاشا فرستاد تا رگ حیات آنها را قطع کند و پول‌ها و اموال مردم را پس بگیرد و بدین وسیله همه اموال غارت‌شده از مردم حله و نجف و کربلا

برگشت. (همان، ص ۳۲۰)

با مقدار کمی از این گندم نان درست کردیم و بقیه گندم را به بستگان دادیم و سپس به حرم رفتیم. ما در آنجا ماندیم و از نزدیکی آن بزرگواران شادمان، و مورد غبطه دیگران بودیم. درحالی که ما در شادی و سرور بودیم، از بغداد خبر رسید که نادرشاه، آن نابکار خبیث، به جای خود برگشت. (همان)

### ح) موجز تاریخ البلدان العراقیة

شهر کربلا به خاطر قداستش بین شهرهای عراق متمایز است و در بین حله، دلیم و دیوانیه محصور شده است. کربلا امروز دو تاریخ قدیم و جدید دارد. شهری است که قبل از اسلام به این نام شهرت داشت. حتی آنچنان که از اخبار دینی پیداست، این نام برای این نقطه به زمان آدم ابوالبشر برمی گردد؛ همان طور که در روایات طوفان نوح آمده است ....

احتمال دارد که کلمه «کربلا» از کلمه عربی «کُوربابل» به معنای گروهی از روستاهای بابلی از جمله نینوا، و از سرزمین های سد هندی، و از جمله غاضریه - معروف به اراضی حسینی -، یا از کلمه «کربله» - به تفخیم لام -، باشد که نزدیک شهر کربلا از مشرق و جنوب است. کربلا (یا همان عقربابل) روستایی است در شمال غربی غاضریه و دارای آثار باستانی مهمی است. ... و آن را حائر می گویند و در روایات مربوط به تخییر بین قصر و تمام آمده است که «حائر» نام مکانی است که مرقد حسین علیه السلام در آن قرار دارد و لسان روایات درباره تعیین محدوده آن مختلف است؛ مرقد حسین علیه السلام به سمت رواق یا تا صحن مطهر. (شهرستانی، ۱۳۸۹ق، ص ۶۶)

برخی معتقدند که نام کربلا ترکیبی از «کرب» به معنای حرم، و «ایل» به معنای خدا، و معنای آنها «حرم خداست» که یک کلمه آشوری است که نشان می دهد مراسمی به نام (حرم خدا) وجود دارد ولی این درست نیست. در دست نوشته ای از جناب صدر این احتمال را خواندم که کلمه «کربلا»:

۱. از «کربة» به معنای «نرمی» گرفته شده است و چون زمین این مکان، خاک بسیار نرمی دارد، آن را کربلا نامیده‌اند.

۲. یا به معنای «پاکی» است؛ چون در لغت گفته می‌شود: «کربُ الثَّحْنَةُ به این معناست که گندم را به باد می‌دهند تا از پوست جدا، و پاک شود و چون خاک این زمین از شن و ماسه پاک است، به آن کربلا می‌گویند». به نظر می‌رسد که بهترین احتمال همین است.

۳. یا به خاطر دلیل این است که در این سرزمین گیاه خاکشیر بسیار می‌روید و خاکشیر را در عربی «أُكْرَبَل» می‌گویند و کلمه «کربلا» از آن گرفته شده است.

روایت شده است که وقتی امام حسین علیه السلام به کربلا رسید و سپاه عبدالله بن زیاد او را احاطه کرد، فرمود: «نام آن قریه چیست؟» به ایشان گفتند: «نامش عقر است». حضرت فرمود: «ما از عقر به خدا پناه می‌بریم، نام این سرزمینی که در آن هستیم چیست؟» گفتند: «کربلا». حضرت فرمود: «سرزمین کرب و بلا». و خواست از آن خارج شود که مانع شدند و آن وقایع تلخ به وقوع پیوست و (حموی، ۱۳۲۴ق، ج ۶، ص ۱۹۵)

البته از مدت‌ها پیش حضرت علی بن ابی‌طالب علیه السلام در سفر به صفین، در این منطقه فرود آمد. یاران حضرت در آنجا خرابه‌ها و آثاری را دیدند و علت آنها را از امام پرسیدند. حضرت فرمود: «این سرزمین اهمیت زیادی دارد، اینجاست بارانداز کسانی که خونشان در همینجا ریخته می‌شود». و وقتی از حقیقت مسئله سؤال شد، فرمود: «باری است بر دوش خاندان محمد که در اینجا آن را بر زمین می‌گذارند». (دینوری، ۱۴۳۰ق، ص ۲۵۰)

کربلا ۷۴ مایل با بغداد فاصله دارد که با یک خط آهن به هم متصل می‌شوند. کربلا شهری بزرگ در ساحل سمت چپ کانال حسینی است که با درختان سرسبز نخل و باغ‌های میوه از انواع مختلف احاطه شده است. کربلا از نظر شهرنشینی به دو قسمت تقسیم می‌شود: قسمت اول «کربلای قدیم» نام دارد و مشهور است و دومی به نام «کربلای جدید» است که در زمان مدحت پاشا در سال ۱۲۸۵ قمری طراحی شد و پس از سال ۱۳۰۰ قمری به سبکی متفاوت از سبک قدیمی ساخته شد. اما بیشتر آن متأسفانه در زمین باتلاقی، که آب در

ابنیه‌اش نفوذ کرده و پایه دیوارها رطوبت خورده و پوسیده شده، است. این روزها حصار بزرگی در بیرون این شهر کشیده شده است.

میانگین زائران از آن در مناسبت‌ها به ۲۵۰ هزار نفر می‌رسد. وهابی‌ها در سال ۱۲۱۶ قمری (۱۸۰۱ م) به این شهر مقدس حمله کردند و ستون‌های حرم حضرت حسین و حضرت عباس را ویران کردند و اخبار حاکی از این است که اشیای قیمتی و جواهرات گرانبهای موجود در حرم امام حسین (علیه السلام) را به غارت بردند. حرم حسین امروز در وسط صحن بزرگی قرار دارد که در آن گنبد با دو مناره پوشیده از طلای نفیس می‌درخشد. (همان، ص ۲۵۱)

تاریخ تأسیس حرم امام حسین (علیه السلام) به ایام شهادت حضرت برمی‌گردد. آن‌طور که ابن قولویه در کتاب کامل الزیارات گفته کسانی که حسین (علیه السلام) را دفن کردند، یک نشانی برای قبر او گذاشتند تا مرقدش پنهان نماند. این بنا را آن‌طور که محمد بن ابی طالب در کتاب تسلیة المُجالس و زینة المَجالس گفته هارون ویران کرد. (خلیلی، بی تا، ج ۸، ص ۸۱)

مسجدی در دوره بنی امیه بر مرقد امام ساخته شد و تا دوره بنی عباس نیز وجود داشت تا اینکه هارون آن را ویران کرد و درخت سدری را که در کنار مرقدش روییده بود قطع کرد و قبر را تخریب کرد، تا زمان حکومت متوکل که دستور داد برای چندمین مرتبه مرقد امام حسین (علیه السلام) و اصحابش را ویران کنند و روی آن آب بستند.

متوکل کشته شد و به عکس، فرزندش (منتصر) که به حکومت رسید، با خاندان ابوطالب بنای بر مدارا و لطافت را گذاشت و به ایشان مواجب می‌داد. بنایی که منتصر روی مرقد امام حسین (علیه السلام) ساخته بود در سال ۲۷۳ ق (۸۸۶ م) تخریب شد. همان‌طور که سیدعلی بن طاووس در کتاب امان الأخطار نوشته است. به دنبال این حادثه والی طبرستان (محمد بن زید راعی)، آن‌طور که در کتاب فرحة الغری آمده، در سال‌های حکومت معتضد (از ۲۷۹ تا ۲۸۹ ق) آن را بازسازی کرد و عضدالدوله بویه نیز حدود یک قرن بعد آن را تجدید بنا کرد.

در چهاردهم ربیع الاول از سال ۴۰۷ ق (۱۰۱۶ م) حرم به آتش کشیده شد، پس حسن بن



اسماعیل وزیرالدوله دیلمی آن را تجدید کرد. اما آنچه اکنون وجود دارد در سال ۷۶۷ ق (۱۳۶۵ م) ساخته شده، همان طور که بالای محراب نوشته شده است. بخش داخلی ضریح امام حسین علیه السلام با چوبی مثبت کاری شده، که روی آن دو پنجره از جنس فولاد قیمتی است، و بخش بیرونی از طلا و نقره ساخته شده است. (همان، ص ۱۰۵)

علی بن الحسین، که در همان روز به همراه پدرش به شهادت رسید، در زیر پای پدر به خاک سپرده شد. در مقابل این ضلع ضریح، فضای مقدسی برای شیعیان قرار دارد که هیچ کس نمی تواند بر آن پا بگذارد؛ زیرا معتقدند این میدان، آرامگاه شهدایی است که با امام زمان علیه السلام به شهادت رسیده اند.

در صحن امام حسین مناره ای به نام «مناره عید» وجود دارد که با کاشی های رنگین پوشیده شده است و می گویند علت ساختن آن در این مکان دورافتاده این است که سیاه پوستی در حرم زندگی می کرده و درآمد کمی داشته است، تا اینکه نیت می کند ثروتی به دست آورد که بتواند این بنای تاریخی را تجدید بنا کند. در فاصله اندکی از حرم امام حسین، مرقد عباس بن علی بن ابی طالب را می توان دید که در یک روز به همراه برادرش حسین کشته شد، آن هم در وسط حرم بزرگی که از نظر معماری و وسعت کمتر از بقیه حرم ها نیست. (همان، ص ۱۳۶)

در سه مایلی غرب کربلا آرامگاه حرم بن یزید ریاحی است، رهبر عراقی که در رکاب حسین علیه السلام با لشکر یزید بن معاویه جنگید، مرقد او با گنبدی از کاشی های رنگی پوشیده شده است. بیشتر زائران مرقد امام حسین به زیارت او نیز می آیند. در اطراف این حرم نیز باغ و بوستان های متعددی است. بالای یکی از درها نوشته شده: «این مکان به همت آقا حسین خان شجاع السلطان در ماه محرم ۳۲۵ قمری بازسازی شد». اولین کسی که این بقعه را کشف کرد و ساخت، شاه اسماعیل صفوی بود. در فاصله هفت مایلی شرق کربلا، بین آن و منطقه مسیب، می توان حرم عون بن عبدالله بن جعفر طیار را مشاهده کرد که مادر گرامی اش زینب بنت علی علیه السلام بود. (حسنی، ۱۳۵۱ ق، ص ۶۷)

## ۱. مروج الذهب و معادن الجواهر

وقتی امام حسین رضی الله عنه به قادسیه رسید، حرّ بن یزید تمیمی با ایشان ملاقات کرد و عرض کرد: «ای پسر رسول خدا، کجا می خواهید بروید؟» حضرت فرمود: «عازم کوفه هستم». اینجا بود که حر، خبر شهادت مسلم بن عقیل و آنچه شنیده بود را به سمع و نظر حسین رسانید و گفت: «زیرا من هیچ چیز خوبی را پشت سرّم (در کوفه) ندیدم که شما را به آن امیدوار کنم!» حسین بن علی با شنیدن این حرف خواست برگردد، اما برادران مسلم جلو آمدند و گفتند: «به خدا سوگند که ما بر نمی گردیم تا انتقام مسلم را بگیریم یا ما هم مانند او کشته شویم». حسین گفت: «بعد از [کشته شدن] شما در زندگی دیگر خیر و برکتی نیست» و به سمت کوفه ادامه مسیر داد تا اینکه با سپاه عبیدالله بن زیاد به فرماندهی عمرو [عمر] بن سعد بن ابی وقّاس مواجه شد و خط مسیر را به سمت کربلا برگرداند.

حسین همراه حدود پانصد مرد جنگی از اهل بیت و حدود صد نفر از اصحابش بود. هنگامی که حسین بن علی رضی الله عنهما در کربلا کشته شد و سرش را ابن زیاد نزد یزید برد، دختر عقیل بن ابی طالب با زنانی از قوم خود دل شکسته بیرون آمد و درحالی که با شنیدن اخبار کربلا و کشته شدن بزرگان طائفه اش دل شکسته و حیرت زده شده بود، چنین گفت:

مَاذَا تَقُولُونَ إِذْ قَالَ النَّبِيُّ لَكُمْ      مَاذَا فَعَلْتُمْ وَ أَنْتُمْ آخِرُ الْأُمَمِ  
بِعَتَرْتَنِي وَ بِأَهْلِي بَعْدَ مُفْتَقِدِي      نِصْفُ أَسَارِي وَ نِصْفُ ضُرِّ جَوَائِدِمِ  
مَا كَانَ هَذَا جَزَائِي إِذْ نَصَحْتُ لَكُمْ      أَنْ تَخْلِفُونِي بِسَوْءٍ فِي دَوَى رَحِمِي

چه پاسخی دارید آن گاه که پیامبر به شما بگوید: حال که آخرین امت ها بودید، با خانواده ام بعد از من چه کردید؟ نیمی اسیر، نیمی غلتیده در خون. این پاداش من نبود، من به شما سفارش کرده بودم که با خویشاوندانم بدرفتاری نکنید.

(مسعودی، بی تا، ج ۳، ص ۶۰)

مختار دنبال قاتلان حسین بن علی افتاد و آنها را کشت، از جمله عَمْرُو [عَمْر] بن سعد بن ابی وقاص زهری را (همان، ص ۶۸)؛ چون او بود که در روز خونین کربلا فرماندهی جنگ با حسین را بر عهده گرفت. مختار او و همدستانش را کشت و پس از آن تمایل مردم کوفه به مختار و علاقه‌شان به او افزایش یافت. همه کسانی که در کشتن حسین بن علی شرکت کردند، از فرمانده، سرباز، سوار و پیاده - از کوفه بودند و هیچ شامی در کربلا حضور نداشته است. همه کسانی که در روز عاشورا در کربلا همراه حسین بن علی کشته شدند، ۸۷ نفر بودند و از جمله آنها فرزندش علی اکبر. (همان، ص ۷۴)

فَإِنَّ قَتِيلَ الطَّفِّ مِنْ آلِ هَاشِمٍ      أَذَلَّ رِقَاباً مِنْ قُرَيْشٍ فَذَلَّتْ

به درستی که کشته کربلا از بنی هاشم گروهی از گردن‌کشان قریش را ذلیل و رسوا کرد.  
(همان، ص ۶۳)

تعبیر «الطفوف» نیز در این کتاب هنگام سخن درباره مسیر نهر فرات آمده است، آنجا که می‌گوید:

و اما فرات که ابتدای آن از منطقه قالی قلا در مرز ارمنستان است. سپس به بایس می‌رسد و از صفین، که محل جنگ مردم عراق و اهل شام است، می‌گذرد و سپس به سرزمین سوری و قصر ابن هبیره و کوفه و جامعین و احمدآباد و فرس و طوف منتهی می‌شود. (همان، ص ۶۱).

کتاب مروج الذهب در بابی تحت عنوان «ملوک الطوایف» می‌گوید:

اولین پادشاهان جهان اشکانیان بودند و از ملوک الطوایف و در عراق در مناطق قصر ابن هبیره و سقی الفرات و جامعین و سورا [سوری] و احمدآباد و نرستا و تلّ فخار و طفوف و جاهای دیگری از این سرزمین زندگی می‌کردند. (همان، ج ۱، ص ۱۱۸)

## ۲. التنبیه و الإشراف

حسین بن علی ۵۷ ساله بود که در کربلا به خاک سپرده شد و شش تن از برادرانش -

به نام‌های عباس، جعفر، عثمان، محمد اصغر، عبدالله و ابوبکر - همراه او کشته شدند.  
(مسعودی، بی تا، ج ۱، ص ۲۵۷)

### ۳. الکامل فی التاریخ

لِهامٍ بِجَنبِ الطَّفِّ أَذْنَى قَرَابَةٍ      مِنْ ابْنِ زِيَادٍ الْعَبْدِ ذِي الْحَسَبِ الْوَعْلِ  
آن سر در کربلا به پیامبر نزدیک تر است از ابن زیاد، آن برده صاحب نسب زشت.  
(ابن اثیر، ۱۳۵۷ق، ج ۳، ص ۲۰۱)

### ۴. الفخری فی الآداب السلطانیة و الدَّوَلِ الإسلامیة

مؤلف می نویسد: دوست ندارم به شرح و بسط ماجرای کربلا بپردازم؛ زیرا در اسلام جنایتی به بزرگی آن واقع نشده است. به جان خودم سوگند شهادت امیرمؤمنان علیه السلام بزرگترین مصیبت است. اما درباره امام حسین علیه السلام آنچنان قتل فجیع و مثله و اسارتی به وقوع پیوست که بدن انسان را می لرزاند، و من نیز به این شهرت بسنده می کنم؛ زیرا این معروف ترین جنایت بشری است که صورت گرفته. وقتی امام حسین از اتفاقات کوفه آگاه شد و برخی از مردم با او ملاقات کردند و خبر شهادت مسلم بن عقیل و هانی بن عروه را گفتند به ایشان زنهار دادند، ولی امام بزرگشت و اتفاقاً عزم خود را برای رفتن به کوفه جزم کرد؛ به دلیلی که خودش از مردم به آن آگاه تر بود. (ابن طقطقی، ۱۹۲۳م، ص ۱۰۶)

### ۵. شَذَرَاتُ الذَّهَبِ فِي أَخْبَارِ مَنْ ذَهَبَ

مؤلف می نویسد: اباعبدالله حسین بن علی بن ابی طالب، پسر دختر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و ریحانه آن حضرت، در سن ۵۶ سالگی در کربلا و در روز عاشورا به شهادت رسید. از جمله دلایل این واقعه آن است که به همراه سه نفر دیگر (عبدالله بن عمر، عبدالله بن زبیر و عبدالرحمان بن ابی بکر) از بیعت با یزید سرباز زد. وقتی معاویه مُرد نامه هایی از مردم عراق به حسین بن علی رسید و از او خواستند که نزد آنها برود، پس ایشان هم با خانواده خود حرکت کرد تا به کربلا، جایی در نزدیکی کوفه، رسید. عبیدالله بن زیاد راه را بر ایشان بست و

و او را در روز عاشورا، که جمعه یا شنبه یا یکشنبه بوده، در محلی به نام طَف همراه هشتاد و دو تن به شهادت رساند. (حنبل، ۱۳۵۰ق، ج ۱، ص ۶۶)

## ۶. التوقيعات الإلهامية

واقعه کربلا در روز دهم ماه محرم بود که در آن مولای ما حسین بن علی بن ابی طالب رضی الله عنهما کشته شد و شمر بن ذی الجوشن او را به قتل رساند و همراه با او از میان برادران پدری اش جعفر، عتیق، محمد، عباس و پسر بزرگ حسین به نام علی - که غیر از زین العابدین است - و جمعی دیگر به شهادت رسیدند. (مختار، ۱۳۱۱ق، ص ۳۱)

## ۷. الموسوعة الإسلامية الموجزة

«کربلا» یا همان «مشهد حسین» زیارتگاهی است در غرب فرات، در حدود شصت مایلی جنوب غربی بغداد که در حومه بیابان و نزدیک قصر ابن هبیره قرار گرفته است. ممکن است نام کربلا به کلمه آرامی «کربلا» یا به کلمه آشوری «کربلاتو»، که نوعی لباس است، مرتبط باشد و نقل شده که خالد بن ولید پس از تسلط بر شهر حیره، اردوگاه خود را در کربلا برپا کرد. در روز عاشورای سال ۶۱ قمری (۱۰ اکتبر ۶۸۰م) امام حسین بن علی علیه السلام، که به مطالبه حقش در حکومت قیام کرده بود، در مسیر بازگشت از مکه به عراق در دشت کربلا نزدیک منطقه نینوا به شهادت رسید و در حائر دفن شد. به سرعت جایی که پیکر سر جدای نوه پیامبر در آن دفن شد، معروف به مرقد حسین، به مقصدی برای زیارت شیعیان مبدل شد. کمی بعد در سال ۶۵ قمری سلیمان بن صُرد را می بینیم که همراه با یارانش ابتدا به مرقد حسین علیه السلام می رود و یک روز و یک شب را در آنجا می ماند.

در سال ۲۳۶ قمری متوکل عباسی مرقد و بنای آن را ویران کرد و دستور داد که زمین را با خاک یکسان کنند و زیارت عتبات عالیات را با قرار مجازات سخت، منع کرد. کربلا در سال ۳۶۷ قمری حرمی بزرگ با گنبدی بر بالای آن، و دو در از دو طرف داشت و مردم گروه گروه به زیارت آن می آمدند. (کرامز، ۱۹۶۱م، ص ۵۴)

ضبة بن محمد اسدی، که عین تمری و شیخ الشیوخ برخی از قبایل عرب بود، حرم حسینی را همراه تعدادی از بقاع متبرکه ویران کرد؛ به همین دلیل دو سال بعد از طرف حکومت مرکزی، که دست شیعیان بویهی بود، سپاهی برای تأدیب ضبة به عین تمر گسیل داشته شد و ضبة نیز پیش از رسیدن مأموران حکومتی به بیابان‌های اطراف فرار کرد. در همان سال عضدالدوله بویهی شیعی، مدیریت حریم شریفین علوی و حسینی در نجف و کربلا را تحت حمایت ویژه خود درآورد و حسن بن فضل (م ۴۱۴ق) دیواری دور تا دور حرم حسینی بنا کرد.

در ربیع الاول سال ۱۴۰۷ قمری آتش سوزی بزرگی، که بعدها دلیلش افتادن دو شمع عنوان شد، حرم حسینی (گنبد، ساختمان اصلی و شبستان‌ها) را به تلی از خاکستر تبدیل کرد. سلطان ملک‌شاه سلجوقی پس از ورود به بغداد از زیارت حرم علوی و حسینی غافل نماند. این دو حرم در آن زمان به نام «مشهدین» معروف بود؛ مانند دیگر اسم‌های دوگانه عراقین و بصرتین و حیرتین و مصرین. (همان، ص ۷۸)

غازان ایلخانی هدایایی را به این حرم تقدیم کرد و همچنین از طریق کانالی، که تا فرات امتداد می‌یابد (رودخانه حسینی امروزی)، آب را به این منطقه رساند. ابن بطوطه گردشگر معروف در سال ۷۲۷ قمری کربلا را زیارت کرد. او از حله به آن شهر آمد و کربلا را شهری کوچک توصیف کرد که در میان نخلستان‌ها قرار دارد و اینکه مرقد مطهر در وسط شهر قرار دارد و آب آن از فرات تأمین می‌شود و در کنار آن مدرسه‌ای بزرگ و محلی برای سکونت و استراحت زائران است. ورود به حرم مطهر فقط با اجازه دربان‌هاست. زائران پوشش نقره‌ای اطراف ضریح را می‌بوسند که بر فراز آن چراغ‌دان‌های نقره‌ای و طلایی قرار دارد و بر درها پرده‌های ابریشمی آویزان شده است. مردم کربلا در آن روز به دو طایفه رخیکی و فائزی تقسیم شده بودند و اینها با اینکه شیعه بودند پیوسته با یکدیگر درگیر بودند و در پی این دعوها، شهر متحمل ضررهای متعددی شده بود. (همان، ص ۱۱۰)

تقریباً در همان زمان، حمدالله مستوفی محیط شهر را ۲۴۰۰ گام تخمین زده و از قبر حر

بن یزید نیز یاد می‌کند که اولین کسی بود که در جنگ در راه حسین در کربلا به شهادت رسید. شاه اسماعیل اول صفوی (م ۹۳۰ ق) نجف و کربلا را زیارت کرد. سلطان سلیمان قانونی در سال ۹۴۱ قمری به مرمت کانال نهر حسینی پرداخت و مزارع مدفون در ریگ را به باغ‌های عالی دیگری تبدیل کرد.

مناره عید در سال ۹۸۲ قمری ساخته شد و مراد سوم (والی بغداد) در سال ۹۹۱ قمری به علی پاشا بن الوند دستور داد تا به شایسته‌ترین وجه حرم حسینی را اندکی پس از تصرف بغداد بسازد. شاه عباس کبیر در دوره خود، و نادرشاه در سال ۱۷۴۳ میلادی از کربلا زیارت کرد و موقوفات زیادی برای عتبات عالیات از جمله طلاکاری گنبد مطهر حرم علوی را به او نسبت داده‌اند.

به مناسبت دیدار عبدالکریم، از معتمدان محبوب نادرشاه، رونق فراوانی در محل زیارت پیدا شد و تعداد ساکنان آن افزایش یافت و راضیه سلطان بیگم، (دختر شاه حسین) بیست هزار نادریه برای بازسازی حرم حسینی اهدا کرد. مؤسس سلسله قاجار، آقامحمدخان در حدود اواخر قرن هجدهم زمینه پوشش طلایی گنبد و مناره در حرم حسینی را فراهم کرد. (همان، ص ۱۲۵)

در آوریل سال ۱۸۰۲ میلادی در غیاب زائرانی که به نجف رفته بودند، دوازده هزار وهابی به فرماندهی شیخ سعود وارد کربلا شدند و بیش از سه هزار نفر از ساکنان آنجا را سلاخی کردند و خانه‌ها و بازار را غارت کردند؛ به ویژه ظروف طلایی و گرانبها و سایر اشیای قیمتی را با خود بردند و ناامنی ایجاد کردند. نجیب پاشا در سال ۱۸۴۳ میلادی پس از اشغال موقت کربلا از سوی ایرانیان، موفق شد تا با زور اسلحه، شهر را تحت کنترل عثمانی درآورد. این در حالی است که دیوار قدیم شهر کربلا تا حدّ زیادی تخریب شده است. مدحت پاشا به ساخت و تکمیل ساختمان ادارات دولتی، که ناقص بود، اقدام کرده و بازار مجاور آن را گسترش داد. (همان، ص ۱۴۰)

کربلا در حال حاضر بیش از پنجاه هزار نفر جمعیت دارد و دومین شهر از نظر ظرفیت،

و شاید ثروتمندترین شهر عراق باشد که رونق خود را نه تنها مرهون خیل عظیم زائرانی است که به زیارت حرم حسینی مشرف می‌شوند، بلکه مهم‌ترین نقطه عزیمت کاروان‌های زائران ایرانی است که به نجف و مکه می‌روند و با توجه به موقعیت جغرافیایی آن، بخش مهمی از کشورهای عربی است.

بافت قدیم شهر را خیابان‌های پریپچ‌وخم احاطه کرده‌اند و ساکنان آن ایرانی‌ها و شیعیان عرب هستند. مهم‌ترین قبایل آن نیز بنی‌سعد، سلمه، الوزوم، تهمازه، ناصریه و بنی‌دده است. نام کربلا جز به قسمت شرقی نخلستان‌هایی که شهر را به صورت نیم‌دایره در ضلع شرقی آن احاطه کرده‌اند به طور دقیق نیامده‌اند. شهر کربلا به المشهد یا مشهد الحسین معروف است.

مساحت حرم مرقد امام سوم  $270 \times 354$  گام است و اطراف آن را تعدادی ایوان و حجره احاطه کرده و دیوارهای آن با نوار آبی‌رنگ ممتد تزیین شده است که گفته می‌شود تمام قرآن با حروف سفید در صفحه آبی دورتادور حرم مطهر نوشته شده است. مساحت شبستان  $156 \times 138$  گام و به شکل مستطیل است که به سالنی متصل می‌شود که آن هم مستطیل شکل است و در وسط، ضریح امام حسین (علیه‌السلام) قرار دارد که زائران آن را طواف می‌کنند. در مجاورت آن، ضلع کوچکتری قرار دارد که مزار پسرش علی اکبر قرار گرفته است. (همان، ص ۱۴۰)

نور بسیاری از لامپ‌ها و شمع‌ها در اطراف تزیین نقره‌ای، که دارای هزاران تکه آئینه از سطوح بی‌شمار کریستال است، منعکس می‌شود و جلوه‌ای جادویی ایجاد می‌کند. ... سطوح کریستالی درخشان اینجا مانند ستارگان در آسمان می‌درخشد. نمای جلویی با تزیینات مجلل و گرانبها تزیین شده است و در بالای ورودی آن دو مناره قرار دارد و مناره سوم، که مناره العبد است و مقابل ساختمان‌های ضلع شرقی حیاط قرار دارد، مساحت حیاط آن را بزرگ می‌کند.

در ضلع شمالی، مدرسه‌ای بزرگ با حیاطی به مساحت حدود چهار متر مربع با مسجد اختصاصی و چندین محراب قرار دارد. در حدود هفتصد متر در جهت شمال شرقی حرم



حسینی، حرم برادرش ابوالفضل العباس قرار دارد و در جاده منتهی به غرب به بیرون شهر، خیمه‌گاه قرار دارد. یک راه‌آهن منشعب از شمال حله، کربلا را به راه‌آهن بغداد - بصره متصل می‌کند و مسیرهای کاروانی به حله و نجف منتهی می‌شود. (همان، ص ۱۷۶)

## ۸. من الاحتلال حتی الاستقلال

حکام سیاسی و دستیاران آنها در مناطق مختلف، همان سیاست خشونت در بغداد را دنبال می‌کردند. ظهور و بروز این سیاست خطرناک در کربلا و حله و دیوانیه مشهود بود و پیش از همه اینها، سیاست سرکوب در نجف دنبال می‌شد. (بزاز، ۱۹۵۳م، ص ۲۹) دو شهر نجف و کربلا، که دو مرکز بزرگ دینی در عراق بودند، به دو مرکز اصلی برای ابزار احساسات وطن‌دوستی و رهبری انقلاب بزرگی در عراق تبدیل شدند. (همان، ص ۳۲) در شهر کربلا دو احساس متضاد اضطراب و انگیزه مشهود بود؛ به ویژه پس از آنکه نیروهای انگلیس دوازده نفر - از جمله شیخ محمدرضا فرزند آیت‌الله شیخ محمدتقی شیرازی - را دستگیر، و ابتدا به حله و سپس به بصره، و سپس به جزیره هنگام در خلیج فارس تبعید کردند.

پس از مکاتبات طولانی بین برخی از مجتهدان و مقامات انگلیسی، که هدف از آن وادار کردن انگلیسی‌ها به عقب‌نشینی از سیاست خودسرانه و به رسمیت شناختن حقوق عراقی‌ها بود، می‌بینیم که آیت‌الله شیرازی فتوای معروف خود را صادر می‌کند مبنی بر اینکه: مردم عراق باید حقوق خود را درخواست کنند و در ضمن بیان مطالبات بر ایشان به صورت مسالمت‌آمیز واجب است که امنیت و آرامش کشور را حفظ کنند و در صورت امتناع انگلیسی‌ها از پذیرش خواسته‌های آنها، مجاز به استفاده از ابزار دفاعی هستند.

این فتوا در روح و جان مردم تأثیر عجیبی داشت و پیام آوران انقلاب در سراسر فرات محتوای آن را منتشر کرده بودند. انقلاب فقط به منطقه فرات محدود نشد. گرچه فرات بزرگترین میدان بود، دعوت‌کنندگان انقلاب در بغداد، کاظمین و کربلا توانستند شور حماسی را علیه انگلیسی‌ها برانگیزند و در پی آن گروهی از

جوانان انبار ماشین‌آلات انگلیسی را به آتش کشیدند که تماماً سوخت و همهٔ مهمات ذخیره‌شده در آن منهدم شد. (همان، ص ۳۷) برخی آقاخان را برای تاج و تخت عراق پیشنهاد کرده‌اند و این پیشنهاد عجیبی است؛ زیرا او هیچ ارتباط مذهبی و ملی با عراق و عراقی‌ها ندارد و جز افرادی معدود و شاید برخی از قوم و خویش‌هایش در کربلا و بغداد، طرفداری ندارد. (همان، ص ۴۹)

### نتیجه‌گیری

این پژوهش با بررسی جامع ابعاد مختلف فرهنگ کربلا به نتایج علمی قابل توجهی دست یافته است. از دیدگاه تاریخی، کربلا به عنوان یک پدیده تمدنی منحصر به فرد توانسته است در طول چهارده قرن، هویت خود را به عنوان کانون مقاومت و عدالت خواهی حفظ کند. تحلیل داده‌های تاریخی نشان می‌دهد که واقعه عاشورا نه تنها یک رویداد مذهبی، بلکه نقطه عطفی در تاریخ اجتماعی و سیاسی جهان اسلام بوده است.

از منظر معماری و شهرسازی، مطالعه تطبیقی حرم امام حسین (علیه السلام) در ادوار مختلف تاریخی نشانگر تأثیر عمیق باورهای مذهبی بر شکل‌گیری فضای شهری است. معماری حرم، تلفیقی هنرمندانه از عناصر سنتی اسلامی و نوآوری‌های دوره‌های مختلف تاریخی است که نیازمند حفاظت و مستندسازی علمی بیشتر می‌باشد.

در حوزه ادبیات و فرهنگ، پژوهش حاضر نشان می‌دهد که کربلا به منبع الهامی بی‌بدیل برای خلق آثار ادبی و هنری تبدیل شده است. بررسی اشعار عاشورایی و متون مذهبی گویای عمق تأثیر این واقعه بر ادبیات فارسی و عربی است.

از دیدگاه جامعه‌شناختی، کربلا به عنوان یک نماد فراملی توانسته است نقش مهمی در تقویت همبستگی اسلامی ایفا کند. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که مطالعه علمی کربلا می‌تواند زمینه‌ساز تحقیقات میان‌رشته‌ای در حوزه‌های تاریخ، معماری، ادبیات و علوم اجتماعی باشد.

پیشنهاد می‌شود مطالعات آینده با تمرکز بر ابعاد زیر ادامه یابد:

۱. بررسی اسناد و منابع دست اول تاریخی کمتر مطالعه شده؛
  ۲. تحلیل تطبیقی معماری حرم‌های مقدس کربلا با دیگر بناهای مذهبی جهان اسلام؛
  ۳. مطالعه میدانی تأثیر فرهنگ کربلا بر هویت اجتماعی شیعیان در جوامع مختلف؛
  ۴. پژوهش‌های بین‌رشته‌ای در حوزه جامعه‌شناسی مذهب و هنرهای آیینی.
- این تحقیق نشان می‌دهد که کربلا به عنوان یک پدیده زنده فرهنگی، ظرفیت بالایی برای مطالعات علمی در حوزه‌های مختلف دارد و می‌تواند به عنوان الگویی برای پژوهش‌های مشابه درباره دیگر مکان‌های مقدس محل توجه قرار گیرد.

## منابع

۱. ابن اثیر، علی بن محمد (۱۳۵۷ق)، *الکامل فی التاریخ*، قاهره.
۲. ابن سعد، احمد (۱۴۲۱ق)، *الطبقات الکبری*، قاهره، مکتبة الخانجی.
۳. ابن طقطقی، محمد بن علی (۱۹۲۳م)، *الفخری فی الآداب السلطانیة و الدول الإسلامية*، قاهره.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، بیروت، دارالفکر.
۵. اسدی، محمد (۲۰۰۱م)، *موجز تاریخ العراق السیاسی الحدیث*، عراق، مرکز الشہیدین.
۶. اسدی، زبیر بن بکار (۱۳۸۱ق)، *جمهرة نسب قریش و أخبارها*، چاپخانه مدنی.
۷. اصفهانی، ابوالفرج (۱۴۱۵ق)، *اغانی، دار احياء التراث العربی*، بیروت.
۸. اصفهانی، ابوالفرج (۱۴۱۹ق)، *مقاتل الطالیین*، تحقیق سید احمد صقر، بیروت، دارالمعرفة.
۹. انصاری، هادی (۱۴۲۶ق)، «کیف بنیت مدینة کربلاء»، *فصلنامه آرشیو حضارة کربلا*، عراق.
۱۰. آل طعمة، سید سلمان هادی (۱۳۸۸ش)، *کربلا و حرمة‌های مطهر، تهران*، مشعر.
۱۱. آل طعمة، سید سلمان هادی (۱۴۳۵ق)، *تراث کربلا*، معهد أبحاث حج و الزیارة، تهران، مشعر.
۱۲. آل طعمة، سید سلمان هادی (۱۴۳۳ق)، *الانتفاضة الشعبانیة فی کربلاء*، قم.
۱۳. بحر العلوم، سید مهدی (۱۴۴۰ق)، *انقلاب مردم عراق بر ضد اشغالگر، کربلا*.
۱۴. برک، مایکل (۱۳۹۸ق)، *از فرات تا اقیانوس اطلس*، بی‌نا.
۱۵. بزاز، احمد (۱۹۵۳م)، *من الاحتلال حتی الاستقلال*، بی‌نا.
۱۶. بکری، عبدالله (۱۴۰۳ق)، *معجم ما استعجم من أسماء البلاد و المواضع*، لبنان، عالم الكتب.

١٧. توماس، راكل (١٩٣٠م)، قاموس الاسلام، چاپ دوم.
١٨. جوهرى، اسماعيل بن حماد (١٤٠٤ق)، الصحاح تاج اللغة وصحاح العربية، دارالعلم للملأين، بيروت.
١٩. حسنى، حسين (١٣٥١ق)، موجز تاريخ البلدان العراقية، نشر عرفان، صيدا، چاپ دوم.
٢٠. حموى، ياقوت بن عبدالله (١٣٩٩ق)، معجم البلدان، دار احياء التراث العربى، بيروت.
٢١. حميرى، محمّد بن عبدالمنعم (١٣٦٣ق)، الروض المِعْطَارُ فِي خَيْرِ الْأَقْطَارِ، بيروت، مكتبة لبنان.
٢٢. حنبلى، عبدالحى بن احمد (١٣٥٠ق)، شذرات الذهب فى اخبار من ذهب، مكتبة قدسى.
٢٣. خلوصى، احمد (١٤٢٦ق)، «مقتطفات عابرة مما ورد فى المظان التاريخية والأدبية العامة عن كربلاء»، فصلنامه آرشيو حضارة كربلاء، عتبه عباسى، عراق.
٢٤. خليل الجزّ، (١٣٩١ش)، فرهنگ لاروس، ترجمه حميد طبيبيان، انتشارات اميركبير.
٢٥. خليلى، جعفر (بى تا)، موسوعة العتبات المقدسة، بيروت، مؤسسة الأعلمى للمطبوعات.
٢٦. دادفر، حميد (١٣٩٢ش)، مراجع ايرانى و قيام ١٩٢٠ شيعيان عراق، مجله پژوهشنامه تاريخ اسلام، سال سوم، شماره نهم.
٢٧. دويهى، خليل (١٣٦٣ق)، ديوان ابى فراس الحمدانى، بيروت.
٢٨. دينورى، ابن قتيبة (١٤٣٠ق)، الاخبار الطوال، بيروت، دارالكتب العلمية.
٢٩. ذهبى، شمس الدين (١٤١٤ق)، سير اعلام النبلاء، بيروت، نشر مؤسسة الرسالة.
٣٠. زبيدى، مرتضى (١٤١٤ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، دارالفكر، بيروت.
٣١. زيدان، جرجى (١٩٩٢م)، تاريخ آداب اللغة العربية، بيروت، دارمكتبة الحياة.
٣٢. زيدان، جرجى (بى تا)، تاريخ تمدن اسلامى، محقق: دكتور حسين مونس.
٣٣. سبحانى، جعفر (١٤٢٨ق)، بحوث فى الملل والنحل، قم، نشر مؤسسه امام صادق.
٣٤. سماوى، محمد (بيتا)، مجالى اللطف بارض الطف، بينا.
٣٥. سويدى، محمد باقر (١٩٦٢م)، حديقة الزوراء فى سِيرِ الوزراء، بغداد، بى نا.
٣٦. شبر، جواد (١٤٠٩ق)، أدب الطّف، بيروت، دارالمرتضى.
٣٧. شرّاب، محمد (١٤١١ق)، المعالم الأثيرة فى السّنة و السيرة، بيروت، دارالشامية.
٣٨. شهرستانى، هبة الدين (١٣٨٩ق)، نهضة الحسين، كربلاى معلّى، رابطة النشر الاسلامى.
٣٩. صادقى، فرامرز (١٣٩٠ش)، تاريخ انقلاب اسلامى ١٩٢٠ عراق، قم، نشر شكرانه.
٤٠. طبرى، محمد بن جرير (١٤٠٨ق)، تاريخ الامم والملوك (تاريخ طبرى)، بيروت، دارالكتب العلميه.

٤١. فراهيدي، خليل بن احمد (١٤٠٩ق)، العين، قم، نشر مؤسسه الهجرة.
٤٢. فيروزآبادي، محمد بن يعقوب (١٤١٥ق)، القاموس المحيط، بيروت، دارالكتب العلميّة.
٤٣. كرامرز، جيبيل (١٩٦١م)، الموسوعة الإسلامية الموجزة، لندن.
٤٤. كرباسي، محمد صادق (١٤٢٢ق)، دائرة المعارف الحسينية، بى نا.
٤٥. كركوكلى، زورس (بى تا)، دوحة الوزراء فى تاريخ وقائع بغداد الزوراء، مترجم: موسى كاظم نورس، بيروت، دارالكتاب العربى.
٤٦. كليدار، عبد الجواد (١٣٣٨ش)، تاريخ كربلاء و حائر الحسين، مترجم: صدر هاشمى، اصفهان.
٤٧. گوستاو، براون (١٩٥٤م)، الإسلام فى القرون الوسطى، بينا.
٤٨. لوييس، معلوف (١٩٥٦م)، المنجد فى اللغة و الأدب و العلوم، بيروت.
٤٩. مختار، احمد (١٣١١ق)، التوقيعات الإلهامية، قاهره، بلاق.
٥٠. مدرس، محمود (١٣٨٠ش)، شهر حسين عليه السلام، قم، دارالعلم.
٥١. مسعودى، على بن حسين (١٨٩٣م)، التنبيه و الإشراف، ليدن، هلند، مطبعة بريل.
٥٢. مسعودى، على بن حسين (١٤٢٥ق)، مروج الذهب و معادن الجواهر، مكتبة العصرية، بيروت.
٥٣. مقدسى، محمد بن احمد (١٩٠٦م)، أحسن التقاسيم فى معرفة الأقاليم، ليدن، هلند، مطبعة بريل.
٥٤. نيكلسون، رلند (١٩٦٦م)، تاريخ الأدب العباسى، بغداد.
٥٥. ويلي، شرمن (١٣٧٣ش)، نهضت اسلامى شيعيان عراق، مترجم: مهوش غلامى، تهران، نشر مؤسسه اطلاعات.
٥٦. هوكرت، هرى (١٩٢٢م)، بلاد العرب، بى نا.

